

امام خمینی و معلولان

به کوشش: علی نوری



دفتر فرهنگ معلولین
دارالتقاة للمعوقین
Handicap Cultural Center



دفتر فرهنگ معلولين
دارالثقافة للمعوقين
Handicap Cultural Center

امام خمينى و معلولان

به كوشش: على نورى

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۵

ناشر: دفتر فرهنگ معلولين

قم، بلوار محمدامين، خيابان گلستان، كوچه ۱۱، پلاك ۴

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۴۵۲ فکس: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۵۵۲ همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۰۷۶۵

www.HandicapCenter.com , info@handicapcenter.com

فهرست

۵.....	طلیعه
۷.....	فصل نخست: بررسی کلی
۹.....	مبانی فکری
۱۲.....	چندگانگی فعالیت‌ها
۱۴.....	روش شناسی
۱۵.....	بررسی متریکسی
۱۹.....	فصل دوم: اظهار نظر
۲۱.....	تجزیه و تحلیل محتوایی
۳۳.....	دیدگاه های کتبی
۳۶.....	طبقات معلولین
۳۷.....	فصل سوم: نهادسازی
۳۹.....	ضرورت نهادسازی
۳۹.....	بنیاد مستضعفان
۴۳.....	کمیته امداد امام خمینی
۴۷.....	حساب ۱۰۰ امام و بنیاد مسکن
۵۱.....	سازمان بهزیستی
۶۳.....	بنیاد پانزده خرداد
۶۷.....	فصل چهارم: تحلیل دیدگاه
۶۹.....	عدم اهتمام
۷۱.....	مقاله عطیه زندیه
۷۵.....	پایگاه اطلاع‌رسانی جماران
۷۷.....	مقاله محمد نوری
۷۹.....	منابع

تقدیم به حاج سید حسن خمینی که در جلسه با معلولین در
تابستان ۱۳۹۵ ارادتمندانه در کنار آنان نشست، با آنان عکس
یادگاری گرفت و منطقی از حقوق و شرافت آنان دفاع کرد.
امید است جلد دوم این اثر به سیره و آراء سید حسن آقا
اختصاص یابد.

طلیعه

معمولاً رهبری جوامع تأثیر زیربنایی و بنیادی در سرنوشت معلولین آن جامعه داشته‌اند. چند تن از انبیاء الهی مثل حضرت یعقوب بر اساس گزارش قرآن، نوعی معلولیت داشتند و درباره معلولین و معلولیت اظهارنظرهایی داشته‌اند که در قرآن کریم آمده است.

نخبگانی مثل افلاطون و ارسطو هم دیدگاه‌هایی داشته‌اند که طی قرون در منابع مختلف نقل شده است. همچنین از قول حضرت موسی و حضرت عیسی در انجیل و تورات نکاتی درباره معلولیت آمده است. اما از همه برجسته‌تر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم پیامبر اسلام سیره خاصی در برخورد با معلولان داشته است. همین طور دیگر رهبران اسلام؛ مانند حضرت علی علیه السلام که در نهج البلاغه در این باره به تفصیل بیان شده است.

پس از این رهبران الهی، پادشاهان و خلفاء و رهبران اجتماعی هم هر کدام به نوبه خود درباره معلولیت و معلولین اظهارنظرهایی بیان داشته‌اند. از جمله آیت الله سید روح الله خمینی مشهور به امام خمینی، مباحث و نکات مهمی درباره این موضوع ابراز کرده است.

اظهارنظر رهبران الهی یا اجتماعی و اقدامات آنان بخشی از تاریخ معلولیت است. به همین دلیل دفتر فرهنگ معلولین در صدد است این اظهارنظرها را جمع‌آوری و در قالب چند جلد کتاب منتشر نماید.

مهم‌ترین انگیزه دفتر فرهنگ معلولین در پرداختن به سیره و آراء امام خمینی، گسترش معلولیت پژوهی است. متأسفانه در ایران، کتاب‌های بسیار اندک درباره موضوعات معلولین منتشر می‌گردد؛ امید است با معرفی آراء بزرگان و رهبران اجتماعی و دینی، انگیزه جامعه در پرداختن به موضوعات معلولیتی افزایش پیدا کند. قطعاً افرادی با دیدن آراء و سیره امام خمینی در زمینه معلولیت و معلولان به میدان آمده و مقاله و کتاب نوشته یا شعر خواهند گفت و بهر حال به آمار آثار فرهنگی این حوزه می‌افزایند.

کتاب حاضر به دیدگاه‌ها و اقدامات امام خمینی می‌پردازد و در چهار فصل به بسط و شرح آنها پرداخته است. لازم است از حجت الاسلام والمسلمین سیدجواد شهرستانی که با راهنمایی و حمایت‌ها موجب رشد و توسعه معلولیت‌پژوهی شده است، تشکر نماییم.

علی نوری

فصل نخست:
بررسی کلی

این فصل نگاه کلی به اندیشه و اقدامات امام خمینی دارد و به بررسی فکر و عمل ایشان در حوزه معلولیت و معلولین می‌پردازد. فکر ایشان از چه منابعی اخذ شده؟ و سنت و قرآن به عنوان دو منبع مهم برای تفکرات با چه روشی مورد بررسی اجتهادی قرار گرفته است؟ اینگونه پرسش‌ها در این فصل بررسی خواهد شد.

مبانی فکری

وقتی حضرت رسول (ص) در مدینه عنان و مدیریت جامعه را بر عهده گرفت، سیره خاصی را با معلولان داشت. این بخش از سیره نبوی جزء افتخارات مسلمانان است، هر چند کمتر رو شده و کمتر به آن پرداخته‌اند. موضوع اصلی این مقاله هم سیره نبوی در عرصه معلولان نیست؛ از این رو فقط نمونه‌هایی بیان می‌شود، همچنین یک نمونه هم از قرآن کریم می‌آورم تا به نتیجه‌گیری بعدی پردازم.

جامعه آن روز هم مثل همه جوامع افراد آسیب‌مندی داشت که از ناحیه چشم، گوش یا دست و پا یا عقل و ذهن دچار مشکل و نقصان شده و سلامت خود را از دست داده بودند. انسان تشکیل یافته از جسم و روح است و جسم آدمی در معرض انواع بیماری‌ها، پیری، آسیب‌پذیری‌ها است. حتی به گزارش قرآن کریم پیامبران چون یعقوب (ع) و ایوب (ع) آسیب جسمانی داشتند.^۱ بنابراین در دوره رسول الله (ص) هم این آسیب‌ها وجود داشته و افراد معلولی بوده‌اند. اما مهم تعامل و برخورد حضرت با این افراد است. قطعاً گزارش برخی معلولان آن دوره به ما نرسیده ولی مواردی که گزارش شده و در منابع متعدد به دست ما رسیده گویای این است که حضرت حداکثر تکریم و احترام را به آنان

۱. در مورد چهار پیامبری که مرحوم صفدی و دیگر مورخان به آسیب جسمانی آنان اشاره کرده‌اند یعنی ایوب، اسحاق، یعقوب و شعیب در دفتر فرهنگ معلولین به تفصیل تحقیق شده و چهار جلد کتاب درباره این چهار نبی (ع) تدوین و عرضه شده است این آثار روی سایت دفتر با آدرس www.handicapcenter.com قابل دسترسی است. اما صلاح‌الدین صفدی در کتاب *نکت الهمیان فی نکت العمیان* (ص ۳ و ۲) این انبیاء را معرفی کرده و از آسیب‌مندی جسمانی آنها دفاع نموده است.

داشت. همچنین بالاترین مناصب اجتماعی و فرهنگی آن دوره را به آنان اختصاص داد. طبق برخی از گزارش‌ها حضرت رسول در ۲۲ جنگ وقتی می‌خواست به بیرون شهر برود، عبدالله بن ام مکتوم نابینای مطلق را به عنوان قائم مقام خود در شهر و پیش نماز معین می‌کرد و به مردم می‌گفت مشکلات خود را به او ارجاع دهند. نیز او را به عنوان مؤذن صبح و بلال را مؤذن ظهر و مغرب تعیین کرد.^۱ مورد ابن ام مکتوم یک مورد از معلولانی است که حضرت با آنها رفتار انسانی و کریمانه داشت. اگر رفتار رسول اکرم (ص) با دیگر رهبران ادیان مقایسه گردد، هیچ رهبری مثل ایشان به معلولین احترام نمی‌نمود.

سیره دیگر ائمه (ع) هم چنین است. حضرت علی (ع) در دوره خلافتش، در عهده نامه مالک اشتر، سی حق برای معلولان بر شمرده و مسئولین دولتی را به رعایت آنها توصیه کرده است.^۲

از سیره بگذریم، قرآن کریم، بهترین سند دفاعی از حقوق و شخصیت معلولان است. در قصص شعیب یا ایوب یا یعقوب، بر خلاف عهدین به گونه‌ای سرگذشت انبیاء را مطرح کرده که تنقیص و تحقیر نتیجه نمی‌دهد بلکه روال داستان جوری است که انسان به کرامت، بزرگواری این انبیاء پی می‌برد.^۳

اما سند قرآنی بسیار مهم سوره عبس یا به قول برخی مفسرین سوره اعمی است. این سوره دفاع بی‌ظنیری از شأن و جایگاه معلولان نموده است. کسی که فقط رویش را از نابینایی برگردانده و نه توهین لفظی و نه عملی نموده با

۱. الطبیقات الکبری، ابن سعد، ج ۴، ص ۱۵۴-۱۵۵؛ مجمع البیان، طبری، ج ۱۰، ص ۶۶۳-۶۶۴؛
بیتوی از قرآن، طالقانی، ج ۳، ص ۱۲۱-۱۳۲؛ دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۳۹-۴۰؛
دایرةالمعارف قرآن کریم، ج ۱، ص ۵۸۴-۵۸۷.

۲. کتابی در زمینه سیره ائمه (ع) در دفتر معلولین منتشر شده و همه موارد آمده است.

۳. نگاه کنید به کتاب‌های: اسحاق پیامبر نوشته محمد نوری؛ صبر/ایوب از خدیجه صفی‌زاده؛ حضرت
شعیب از محمد نوری نشر دفتر معلولین

عتاب شدید خداوند مواجه شده است.^۱

هدفم از مواردی که بسیار فشرده و اجمالی بیان شد این است که به وضعیت معلولان در فرهنگ اسلامی واقف شویم تا برسیم به دوره معاصر. متأسفانه شیعیان و رهبران شیعه معاصر به تدریج کمتر به جامعه معلولین برایشان اولویت داشته و گاه رسیدگی و اهتمام به امور معلولان را رها کردند و کمتر در این زمینه کوشا و ساعی بوده‌اند. حتی در فقه کمتر به مسائل معلولان پرداخته‌اند. برعکس اهل سنت در فقه، کلام، اجتماعیات نه تنها به معلولین بلکه کلاً به قُصُر و ایتام و آسیب دیدگان اهتمام بیشتر داشته‌اند. فقط در زمینه ناشنویان تا کنون پانصد عنوان کتاب سودمند رصد کرده‌ایم که در یکصد سال اخیر تألیف و عرضه شده است. مثلاً مسائل فقهی اُخرس و ناشنویان را به تفصیل بررسی کرده‌اند.

امام خمینی پیش از انقلاب اسلامی مطالب و نکاتی در زمینه ضعفاء و محرومین و نقش استعمار و حکومت‌های استبدادی در به وجود آمدن ضعفاء و آسیب‌مندان جامعه دارد. اما در درس فقه یا درس‌های دیگر به عنوان یک مبحث علمی به آن نپرداخته است.

اما کارنامه ایشان پس از پیروزی انقلاب به گونه دیگر است و تلاش می‌کنیم این کارنامه را تجزیه و تحلیل و بررسی کنیم.

در واقع امام خمینی با تأسی به سیره رسول خدا(ص) و دیگر ائمه و با پیروی از قرآن کریم اقدامات و فعالیت‌هایی در عرصه معلولین انجام داده‌اند که قابل توجه است. در واقع سیره رسول خدا صل الله علیه و آل وسلم و قرآن کریم دو منبع ایشان برای تفکرات و اقدامات او است.

۱. بهترین متن در این باره تحلیل مرحوم طالقانی در پرتوی از قرآن و تحلیل مرحوم محمدتقی شریعتی در تفسیر نوین است.

چندگانگی فعالیت‌ها

اقدامات و فعالیت‌های آیت‌الله سید روح‌الله موسوی خمینی مشهور به امام خمینی (درگذشت ۱۳۶۷) در عرصه معلولین دو لایه مهم دارد: یکی مرتبط به مسائل و مقولات فقهی و تجزیه و تحلیل وظایف معلولان مکلف در ابواب مختلف فقه است. ایشان به عنوان یک فقیه باید اسناد قرآنی و روایی را می‌دید و در درس‌های خارج فقه به بررسی اجتهادی این اسناد می‌پرداخت و بالاخره در کسوت مرجع تقلید به بیان حکم می‌پرداخت. لایه دوم مربوط به مدیریت جامعه است؛ چه در زمانی که مسئولیت کل جامعه را بر عهده نداشت و در محدوده امور جسمی اقدام می‌کرد و چه پس از به دست گرفتن مدیریت تمام جامعه یعنی در یک دوره ایشان در محدوده کوچکتري اختیارات داشت و در چارچوب حسابات به قُصْر، غُیْب، سفهاء و بی‌سرپرستان می‌پرداخت.

مجموعه فتوا و آراء حقوقی ایشان در زمینه‌های عبادیات و معاملات که مرتبط با اقشار آسیب‌مند جامعه از جمله معلولان است قابل بررسی است و نیاز به تحقیق مستقل داد. متأسفانه در این حوزه به ویژه در زمینه مبانی و منابع این آراء کار جدی نشده است. چون در حوزه‌های علمیه شیعه، فقه قُصْر یا فقه قاصرین و فقه معلولین به عنوان یک موضوع مهم و معتنا به مورد توجه نبوده است و تا کنون درس خارج یا درس در دوره سطح با عنوان فقه الاخرس (ناشنوا)، فقه الاعمی (نابینا)، فقه السفهاء و المجانین (معلولان ذهنی) و فقه المعوقین (معلولین) در حوزه‌های شیعه ولو در سطح محدود نداشته‌ایم. به تبع آن تحقیقات فقهی در بین پژوهشگران هم در این موضوعات رواج نداشته است. اما نگاهی داشته باشیم به جهان اهل سنت، دانشگاه الازهر از قدیم، فقه معاقین و معلولین و شاخه‌های آن مثل فقه الاخرسین را در دستور داشته است. پایان نامه‌های قابل توجهی در این باره در الازهر تألیف و عرضه شده است. مثل احکام الاخرس فی الفقه الاسلامی از لیلی عبدالله محمدعبدالله که در

۱۴۱۶ق به صورت کتاب منتشر شد و ده‌ها عنوان کتاب دیگر در زمینه مسائل فقهی نابینایان، معلولین حرکتی، ناشنوایان و معلولین ذهنی منتشر کرده‌اند. همایش‌ها و به تبع آن تحقیقات و مجموعه مقالات مثل «القصر رعایة و تأهیلاً و استثماراً» در دبی منتشر شده است. این مجموعه گزارش و مقالات همایشی است که در (۲۰۰۶) توسط مؤسسه الاوقاف و شوون القصر وابسته به حکومت دبی بر پا شد.^۱

تحقیقات بسیار، همایش‌ها و آثار فراوان درباره ایتام و بیوه‌گان، بی‌سرپرستان، گم‌شدگان، ضعفاء و بالآخره معلولین در مصر، امارات، لبنان و عربستان منتشر شده است.^۲ در ایران اگر همایشی هم بوده مثلاً به اسم توانبخشی یا تأمین اجتماعی بوده است. یعنی روحیه ما جوری است که از نام بردن و طرح موضوعات منفی مثل دزدی و دزدان یا ضعفاء و مستمندان و فقراء و بالآخره معلولین ابا و آکراه داریم. این تفاوت مهم بین ما و دیگر مسلمانان است. این مطالب بیان شد تا معلوم گردد چرا کسانی مثل امام خمینی با اینکه رهبری را بر عهده داشتند؛ اما به مقولات و موضوعات معلولین در ابعاد وسیع نپرداخته‌اند.

اما در دوره دوم از عمر ایشان که متصدی امور اجتماعی در سطح کلان شدند به عرصه‌های این چینی هم ورود پیدا کردند و از این‌رو این مقاله درصدد است به اقدامات امام خمینی در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۵ بپردازد. اولین اسناد پس از پیروزی انقلاب که نشانگر اهتمام و اقدام ایشان برای معلولین است مربوط به سال ۵۷ و آخرین آنها مربوط به ۶۵ است. از این‌رو این فاصله را بررسی خواهیم کرد.

۱. القصر رعایة و تأهیلاً و استثماراً، ص ۷-۹.

۲. نگاه کنید به کتابشناسی کشورهای عربی مثل الایداع چاپ مصر، کنز المعلومات چاپ کویت.

روش شناسی

دیدگاه‌های امام خمینی در دوره ۵۷ تا ۶۵ در قالب سخنرانی‌هایی که برای مردم بیان می‌کرده یا احکام و پیام‌ها است. در زمینه معلولان هم سندهای ایشان همین گونه است. اکثر آنها به شکل سخنرانی‌هایی است که در مقطع‌های گوناگون و به اقتضای حال و مقال برای معلولان یا برای خانواده آنها و یا برای عموم مردم بیان می‌شده است. دو یا سه سند هم داریم که به صورت حکم حکومتی است. بنابراین روش امام خمینی برای طرح دیدگاه‌هایش درباره معلولان و معلولیت، ملاقات و سخنرانی برای آنها است. صحیفه نور مهم‌ترین منبع برای سخنرانی‌ها، پیام‌ها و اطلاعیه‌های ایشان است. کتاب‌هایی مثل کتاب نهضت امام خمینی که در سه جلد تا کنون منتشر شده فاقد مباحث معلولیتی است و روش مؤلف این اثر یعنی حمید روحانی (زیارتی)، برجسته سازی عوامل و فاکتورهای سیاسی است و کمتر به عوامل فرهنگی، مذهبی، فکری و اجتماعی پرداخته است. به همین دلیل در هیچ جا به نقش و جایگاه معلولین نپرداخته است. با اینکه معلولان در شهرها در کنار مردم مشارکت داشتند و همپای مردم فعالیت می‌نمودند. اقدامات برجسته و منحصر به فردی هم در انقلاب داشتند؛ مثل تسخیر مدرسه کریستوفل و نیک آیین که توسط کلیسا اداره می‌شد و ویژه نایب‌نایان بود. در واقع با هدف تبشیری احداث شده بود.^۱ دسته دیگری از منابع هست که روش خاطره نگاری دارند. شخصیت‌های نزدیک امام خمینی، یا شاگردان یا دفتری‌های ایشان به بیان خاطرات پرداخته‌اند. معمولاً این گونه منابع به موضوعات بیشتر پرداخته‌اند و کمتر موضوعات مرتبط به معلولین را برجسته کرده‌اند. اما خود امام رویکرد به موضوعات مستعصف محور، داشته و درصد برجسته سازی مسائل مربوط به

فقراء، آسیب‌مندان بوده از این‌رو از هر فرصتی برای طرح موضوعات معلولین استفاده کرده است. به همین دلیل در سخت‌ترین روزهای انقلاب یعنی در هفتم اسفندماه ۱۳۵۷، یعنی ۱۵ روز پس از پیروزی انقلاب و سقوط رژیم پهلوی، اعضای جامعه معلولین ایران را در مدرسه علوی به حضور پذیرفته و درباره معلولیت نکات سودمندی بیان کرده است. این شیوه تا سال ۱۳۶۵ داشته تا اینکه بیماری بر ایشان فشار آورده و غلبه کرد و در سال ۱۳۶۷ به رحلت ایزدی پیوست.

بررسی متریکسی

تحقیقات کمی یا متری کردن پژوهش‌ها به فهم ابعاد موضوع کمک می‌کند. با همین هدف درصدد هستیم گفتارها و اقدامات امام خمینی را با زبان آمار بیان کنیم.

موضوع	مکان	مخاطب	تاریخ سخنرانی
تأثیر معلولیت روحی در سرنوشت آدمی و کم‌اهمیتی معلولیت جسمی	تهران، مدرسه علوی	اعضای جامعه معلولان ایران	۷ اسفند ۵۷
میزان انسانیت و ایمان و صبر	تهران، مدرسه علوی	جمعی از معلولان	۲۴ اردیبهشت ۵۸
قیام برای خدا و استقامت	تهران، مدرسه علوی	دانش‌جویان و پزشکان و نابینایان	۴ خرداد ۵۸
نقش استعمار در جوامع اسلامی	قم، منزل امام	نابینایان مدرسه ابابصیر	۱۴ تیرماه ۵۸

شهریور ۵۸	معلولین مستقر در آسایشگاه	آسایشگاه معلولین قم	ضرورت کمک مردم و نیکوکاران به این آسایشگاه
۷ مهر ۵۸	کارکنان ارتویدی اصفهان	قم، منزل	ضرورت رسیدگی به معلولان انقلاب
۲۸ مهر ۵۸	روشندلان	قم، منزل	مبارزه با شایعه پراکنی و انسان با بصیرت انسان است نه باصر
۴ دی ماه ۵۹	معلولین انقلاب اسلامی	تهران، حسینیه جماران	ارزش معلول شدن در راه خدا
۱۸ خرداد ۶۰	انجمن اسلامی بهبیستی و بهداری	تهران، حسینیه جماران	اصلاح خود و محیط

غیر از ۹ مورد فوق، چند مورد دیگر به صورت حکم یا پیام است:

۱- ۹ دی ۵۸، پیام به ملت ایران، قم، منزل، به مناسبت هفته مصدومین و معلولین در جنگ و دفاع.

۲- ۱۲ اردیبهشت ۶۰؛ نامه دکتر فیاض بخش رئیس سازمان بهزیستی در استفاده از سهم امام / اجازه امام خمینی به شرط نظارت آقای مهدوی کنی
۳- ۲۲ تیرماه ۱۳۶۲؛ فرمان امام خمینی خطاب به حاج حسن صانعی جهت تأسیس بنیاد پانزده خرداد برای کمک به معلولین و غیره
۴- ۴ تیرماه ۱۳۶۵؛ نامه هیئت امنای آسایشگاه کهریزک در استفاده از سهم امام / اجازه امام

از این اسناد این نکات فهمیده می‌شود:

۱. نه مورد سخنرانی برای جمعیت‌ها و تشکل‌های معلولیتی
 ۲. چهار مورد کتبی است.
 ۳. از نه مورد سخنرانی، دو فقره مربوط به بعد از جنگ تحمیلی است ولی هفت فقره دیگر مربوط به سال‌های ۵۷ و ۵۸ است. از این دو مورد که پس از جنگ بیان شده، یکی خطاب به مدیران بهزیستی و در واقع مرتبط به معلولین عادی است و یکی خطاب به معلولان انقلاب و جنگ است.
 ۴. از چهار مورد کتبی، پیام ۹ دی ۵۸ درباره معلولین دوره انقلاب است. سه مورد دیگر عام است و مربوط به بنیاد پانزده خرداد، سازمان بهزیستی و آسایشگاه کهریزک است.
 ۵. مجموعه این اسناد گویای اهتمام امام خمینی در سال‌های نخست پیروزی انقلاب به عموم معلولان است. و لازم است با بررسی محتوای این فقرات، دیدگاه‌ها و رهنمودها و توصیه‌های ایشان استخراج و در اختیار مسئولین قرار گیرد.
- در این بررسی‌های آماری لازم است به محدوده‌ها توجه شود. مهم‌ترین مرز این است که کلید واژه‌های بنیاد شهید، بنیاد جانبازان و جانبازان را وارد قلمرو آمارگیری نکرده‌ام و فقط محدود به واژه معلول و معلولیت و بهزیستی بوده است. البته می‌توان در تحقیق دیگری به مقایسه معلول عادی و جانباز و مقایسه بهزیستی و بنیاد جانبازان به روش آماری پرداخت.
- منبع در این بررسی فقط صحیفه نور و صحیفه امام بوده است. نیز می‌توان منابع دیگری را وارد محدوده پژوهش نمود و مجدداً به نتیجه‌گیری پرداخت.

فصل دوم:
اظهار نظر

امام خمینی دیدگاه‌های خود را پس از پیروزی انقلاب در قالب سخنرانی بیان داشته است. این فصل درباره تعداد سخنرانی‌ها و محتوای سخنرانی‌های امام خمینی درباره معلولیت و معلولان است.

تجزیه و تحلیل محتوایی

فصل پیش به بررسی آماری مستندات امام خمینی بین سال‌های ۵۷ تا ۶۵ در زمینه معلولان پرداخت. اما این فصل به متن هر یک از مستندات مراجعه کرده و به بررسی محتوایی هر متن می‌پردازد.

اسناد و مدارک معرفی شده در فصل پیشین به روش تجزیه مولکولی بررسی خواهد شد یعنی هر سند تجزیه شده و تبدیل به جملات و هر جمله تبدیل به کلید واژه‌های مورد نظر می‌شود. و از این طریق دغدغه‌ها و دیدگاه‌های ایشان به دست می‌آید. البته دامنه تجزیه را باز نیست و بسته و محدود به واژه معلولین و مشتقات آن و نیز واژه‌های مرتبط معنایی است.

سخنرانی ۷ اسفند ۵۷: جامعه معلولین ایران در مدرسه علوی، چند روز پس از پیروزی انقلاب دیدار داشتند. یعنی پانزده روز بعد از اضمحلال رژیم پهلوی و روی کار آمدن نظام جدید، امام معلولین را می‌پذیرد و نظریه مهمی برای آنان مطرح کرده است. نکاتی که بیان کردند عبارت است از:

۱- انسان دارای روح و جسم است و قوام انسانیت به روح و ناطق بودن است. / قوام انسانیت

۲- روح و جسم هر دو معلول و بیمار می‌شوند ولی معلولیت روح مصیبت بارتر است. و باید دعا کرد معلولیت روحی نباشیم. / جسم معلول؛ روح معلول

۳- اگر روح سالم و قوی باشد، جسم معلول را می‌تواند اداره کند. / سلامت

روحی

۴- معلولانی که نابغه و دانشمند بودند داشته‌ایم. / نبوغ معلول

۵- با تقویت روح و به دست آوردن سلامت روح، معلولان می‌توانند به

سربلندی برسند. ^۱ / موفقیت معلول

سخنرانی در جمع معلولین (۲۴ اردیبهشت ۵۸): در این سخنرانی این

مباحث را مطرح کرده است:

۱- نخست سوره والعصر را تلاوت و می‌گوید به اساس این سوره همه انسان‌ها در خسران اند مگر کسانی که چهار عنصر ایمان، عمل صالح، حق‌پذیری و صبر داشته باشند. نمی‌گوید مگر کسانی که چشم و دست و پا و شنوایی داشته باشند.

۲- بنابراین اصل جسم نیست بلکه روح میزان سعادت و انسانیت است. روح یعنی همان چهار عنصر. لذا کسانی که سلامت جسمانی دارند ولی ایمان و عمل صالح ندارند در زیان هستند.

۳- سعادت انسان، داشتن جسم کامل نیست بلکه سعادت با قلب و روح به دست می‌آید.

۴- با آرام شدن اوضاع همه امور رسیدگی می‌شود (منظور امور معیشتی و رفاهی است) ^۲

اهمیت و ضرورت رسیدگی به معلولین

هم اکنون نظریه باور یا ایمان در کشورهای پیشرفت به معلولین آموزش داده می‌شود و تأثیرات بسیار خوبی داشته است. آچیچ مادرزاد بدون دست و پا متولد شده و هم اکنون در آمریکا مقیم است. به هنگام تولد پدر و مادرش هزینه زایمان را نداشتند ولی هم اکنون از بزرگ‌ترین ثروتمندان امریکا، استاد

۱. صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۴۶-۲۴۷.

۲. صحیفه نور، ج ۶، ص ۳۷۵.

دانشگاه، ورزشکار بااراده و مدال آور و دارای تألیفات بسیار است. خودش می نویسد همه این موفقیت‌ها به خاطر ایمان، باور و شوقی است که از مثنوی مولانا آموختم. با اینکه مسیحی است.^۱

امام خمینی قطعاً اطلاعی از نظریه‌های متفکران معلولیت شناس نداشته و بر اساس تجارب دینی به نتایجی رسیده و سخنان مزبور را بیان کرده است. ولی این سخنان بیانگر دیدگاه و روشی بسیار مهم در توانبخشی معلولان است. اما نظریه‌های توانبخشی روحی موجب نشده از رسیدگی به امور رفاهی و معیشتی معلولان غفلت شود. ایشان دولت را موظف می‌داند که به امور معلولان رسیدگی کند.

دیدار با گروهی از معلمان و دانشجویان و روشندان (۴ خرداد ۵۸):

تمام این سخنرانی درباره ضرورت استقامت مردم در راه اصلاح و مبارزه و قیام است و چند نکته در این ارتباط بیان کرده است:

۱- جهت رسیدن به هدف مطلوب باید تلاش و مبارزه داشت.

۲- اما تلاش باید همراه استقامت و سرسختی و صبر باشد.^۲

قرآن در داستان انبیایی مثل حضرت ایوب، صبر را به عنوان یک عنصر اساسی و مؤثر در رسیدن به اهداف ضروری می‌شمارد. امروزه از این مسئله با تعابیری چون دل‌سرد نشدن، مأیوس نشدن، افسردگی نداشتن و در مقابل باور و ایمان و شوق داشتن، دلگرم بودن و ایمان داشتن به اصلاح خود و جامعه نام

۱. قدرت مهار ناندنی/ایمان، آچیچ، ترجمه مسیحا بزرگر، تهران، ۱۳۹۲، ص ۵۸؛ مجله توان‌نامه،

شماره ۴-۶، ص ۳۶۹-۳۷۲.

۲. صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۷۷.

می‌برند و این عناصر را در زندگی معلولان بسیار مهم می‌شمارند.^۱

سخنرانی در جمع گروهی از نابینایان مدرسه ابابصیر (۱۴ تیر ۱۳۵۸):

مفصل‌ترین سخنرانی امام برای معلولان همین سخنرانی است و هشت صفحه بزرگ می‌باشد.

مطالب مهم این سخنرانی چنین است:

۱- قبل از امام یکی از مدیران ارشد ابابصیر می‌گوید پنجاه سال قبل، کلیسا مدارس برای نابینایان تأسیس کرد و در واقع آنها را جذب مسیحیت می‌کرد. امام در تکمیل سخن این مدیر می‌گوید استعمار غرب از حدود سیصد سال قبل به شرق آمدند و شروع به مطالعه و شناسایی معادن و ذخایر مسلمانان کردند. هدفشان چاییدن و غارت ثروت‌های ایران بود، نه آموزش و فرهنگ.

۲- روحانیت سد راه استعمار است و به همین دلیل علیه روحانیت و اسلام واقعی جوسازی می‌کنند.

۳- رضا شاه به اسم اصلاح امور علیه نهادهای دینی وارد عمل شد ولی روحانیت در شهرهای مختلف در مقابل او ایستادگی کردند.

۴- اسلام مدافع فقرا و مستضعفین است. انبیاء از مستضعفین بودند. همه انبیاء با ظلم، بی‌عدالتی، اشرافیت مبارزه کرده‌اند. روحانیون مدافع فقراء و ضد ظلم هم امروز در معرض تبلیغات سوء است ولی معمم‌هایی که اشرافی‌اند و با دربار ساخته‌اند مثل ظالمین‌اند.

۵- هوشیاری در مقابل نقشه‌های تفرقه‌انگیز و ضرورت اهتمام قانون اساسی و تدوین آن توسط مجلس خبرگان و قانون‌مند شدن امور.

۱. چندین همایش در اروپا و آمریکا در این باره در سال‌های اخیر بوده است از جمله همایش الهیات و معلولیت است که دانشگاه، متدیست شمالی در ۲۰ ژوئن ۲۰۱۴ در آمریکا برگزار کرد که آن در مجله *توان‌نامه* تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۹۸ آوردیم.

۶- انسان با بصیرت انسانیت دارد و فکر نکنید انسان فاقد چشم و بصر، انسانیت ندارد. ابو جهل چشم داشت ولی انسان نبود بعضی از انبیاء چشم نداشتند. اما انسان و نبی بودند. میزان در انسان معنویت است. بسیاری از علما و نوابغ چشم ندارند ولی دانشمند و در کمال انسانیت‌اند.^۱

امام خمینی غیر از «نظریه قوام انسانیت» پنج نکته مهم دیگر مطرح کرده است. این نکات اغلب فقط همین جا و یک بار در ارتباط با معلولین طرح شده است. این سخنرانی امام بی نظیر است و شامل نکات مهم و از نظر کمیت هم مفصل می‌باشد. مهم‌ترین دلیل آن مخاطبان این جلسه‌اند. به همین دلیل لازم است درباره ابابصیر توضیحاتی بدهم.

۱- مؤسسه آموزشی ابابصیر ویژه نابینایان نخستین مرکز تعلیم و تربیتی است که توسط مرجعیت و روحانیت شیعه در مقابله با اقدامات تبشیری کلیسا در اصفهان در سال ۱۳۴۸ تأسیس شد. نخستین جایی است که روحانیون بلند مرتبه در برابر فعالیت‌های کلیسا در زمینه جذب معلولان ایجاد کردند.

وقتی شهید محمد حسینی بهشتی در هامبورگ آلمان بود و مسجد امام علی(ع) یا مرکز اسلامی امام علی(ع) هامبورگ را اداره می‌کرد، گزارش و عکس‌هایی در مجله اشپیگل می‌بیند و برای علمای مؤثر اصفهان می‌فرستد.

خلاصه این گزارش این بوده که روحانیون شیعه نابینایان را به مسجد و نماز خواندن و گدایی سوق می‌دهند چون روش مهارت آموزی به آنها را نمی‌دانند و عکس‌هایی از نابینایان که کنار مساجد گدایی می‌کنند آورده است. اما کلیسا به نابینایان مهارت و دانش یاد می‌دهد و آنان را خوشبخت می‌سازد و عکس‌های از نابینایان در کلیسا با لباس‌های شیک آورده است. آیت الله شمس آبادی، حجج اسلام مهدی مظاهری و منصورزاده به همراه نه نفر دیگر از

بازاریان و معلمین مذهبی شهر اصفهان هر روز شنبه‌ها ظهر جلساتی داشتند و به این نتیجه رسیدند مرکز ابابصیر را دایر نمایند. آیت الله شمس آبادی ساختمانی مجهز در خیابان مسجد سید (محمدرضا شاه سابق) را به این امر اختصاص داد. کار شروع و در سال ۱۳۴۹ مجوز رسمی هم اخذ کردند. اولین مدیر ابابصیر، آقای مهدی افارب پرست بود که هنوز در قید حیات است.^۱

ابابصیر تا کنون حدود پنجاه ساله شده و فراز و نشیب‌های بسیاری را تجربه کرده است. اما تجربه مهمی برای جریان مذهبی در مبارزه با کلیسا از طریق آموزش نابینایان بوده است. کلیسا به عنوان پیش قراول اول استعمار در بسیاری از کشورهای اسلامی چنین اقداماتی داشته است.^۲

حتی امروزه به شکل و به روش دیگر درصد جذب معلولان هستند. زیرا معلولان دارای ضریب هوشی بالا و از ویژگی‌هایی برخوردارند که می‌توانند در تبلیغ موفق باشند. خلاصه اینکه معلولان لازم است به عنوان یک اصل مهم به اقدامات و فعالیت‌های کلیسا و دیگر مذاهب و ادیان اهتمام داشته، به مطالعه آنان بپردازند، از گذشته درس گرفته و با درایت و تدبیر به سوی آینده قدم بردارند.

۲- امام اصل دیگری به عنوان دفاع از مستمندان، ضعیفان و فقراء مطرح می‌کند، معلولان مصداق بارز این قشر اجتماعی هستند، لذا اسلام مدافع اینان هم هست. ایشان روح و ماهیت تعالیم اسلام را متضاد با اشرافیت و ثروت اندوزی می‌داند و اسلام را موافق و همراه طبقه ضعیف می‌داند. هر دولت و هر گروه اجتماعی مثل روحانیون که به این اصل اهتمام داشته باشد، موافق اسلام عمل کرده وگرنه در مقابل اسلام است.

۱. کتاب مؤسسه آموزشی ابابصیر، ص ۱۰-۲۵.

۲. همان، ص ۳۰-۴۰.

ایشان با این تحلیل‌ها به معلولان خط و جهت و نیز ملاک می‌دهد تا حواسشان جمع باشد، هر کس عمامه بر سر داشت، هر مدیری مدعی اسلام بود، مورد تأیید نیست، بلکه باید چنین ویژگی را در عمل به اثبات رساند.

۳- قانون‌گرایی و ضرورت قانون برای جامعه هم اصل مهم دیگر است. در واقع دیدگاه ایشان اینگونه است که جامعه بدون قانون امکان‌پذیر نیست، همچنین جوامع کوچک مثل جامعه معلولان ایران هم نیاز به قانون دارند. این دیدگاه بسیار مهمی است. و لازم است مسئولین کشوری و مدیران نهادهای مرتبط به معلولین به این دیدگاه امام توجه نمایند و قانون معلولان را زودتر به سرانجام برسانند.^۱

این اصولی که امام مطرح کرده از نظر اهمیت، قابل توجه‌اند و لازم است تشکلهای معلولین در شهرهای مختلف با بحث و بررسی این آراء به تألیف کتاب و مقاله در این باره بپردازند.

دیدار از آسایشگاه معلولین قم (شهریور ۱۳۵۸): امام خمینی ماه‌هایی در قم سکونت داشت و در قم گاه به منزل اقوام و دوستان و آشنایان یا مراکز مهم می‌رفت. روز عید غدیر به آسایشگاه معلولین قم رفته و چند جمله‌ای برای آنان سخن گفت و این نکات را مطرح فرمود:

۱- دلسوزی حضرت علی (ع) نسبت به آلام انسان‌ها و رسیدگی به مریض‌ها و آسیب دیدگان

۲- اساس انسانیت به بصیرت نه بصر و اعضاء و جوارح است.

۳- ضرورت رسیدگی به معلولان به ویژه مسئولیت افراد سالم و دارای امکانات مضاعف است. با اخلاص و ارادت و احترام هم باید کمک کنند نه منت

گذاشتن.^۱

اصل دوم را قبلاً بسط دادیم و دیگر به آن نمی‌پردازم ولی اصل اول و سوم اهمیت فوق العاده دارد. حضرت علی (ع) در نهج البلاغه و دیگر جاها به شدت مدافع معلولین است و حقوق بسیاری در فرمان مالک اشتر برای معلولین مطرح کرده است.^۲ امام خمینی به اجمال رأی امام را مطرح کرده ولی لازم است معلولان به شرح و بسط آن بپردازند.

اصل سوم درباره روش و معیارها و ارزش‌هایی است که در مساعدت به معلولین باید در نظر گرفت و کاری نکرد تا موجب آبروریزی آنان نشود. تاریخ این سخنرانی دقیق معلوم نیست ولی بر اساس قرائن شهریور ۵۸ تشخیص داده شد.

رسیدگی به معلولان انقلاب (۷ مهر ۵۸): سخنرانی در جمع کارکنان

ارتوپدی اصفهان در شهر قم است و دارای این نکات می‌باشد:

- ۱- همدردی با معلولانی که در انقلاب برای دفاع از دین و شرافت و ارزش‌ها، بینایی، شنوایی یا دست و پای خود را داده‌اند.
- ۲- آمار کل معلولان اعم از کسانی که در انقلاب معلول شده و کسانی که مادرزادی و غیره معلول شده‌اند، چهار میلیون نفر است.
- ۳- در بین اینان از همه اقشار مثل روحانی، بازاری، کاسب، کارمند، دانشگاهی هست و معلوم می‌شود معلولیت در همه اقشار وجود دارد.
- ۴- لازم است مشکلات و خلأهای رفاهی و اقتصادی جبران شود.
- ۵- معلولانی که نیاز به درمان و دارو اقدامات پزشکی دارند، لازم است

۱. صحیفه نور، جلد ۱۳، ص ۲۲۴.

۲. منشور حقوق معلولین: دیدگاه‌های امام علی (ع)، قم، دفتر فرهنگ معلولان، ۱۳۹۴، از ابتدا تا انتها.

نیازهای ضروری آنان پیگیری و انجام شود.

۶- پرستاران و مددگرها وظیفه سنگین بر عهده دارند.

۷- معلولان کنار امام نشسته و تقاضای خود را بدون دغدغه مطرح کردند.^۱

این نکات در حد اصولی است که هر کدام را می‌توان بسط و شرح نمود. اول می‌گوید لازم و ضروری است مردم با معلولین همدردی داشته باشند نه اینکه بی تفاوت از کنار آنها و نیازهای آنها بگذرند. اهتمام همگانی به امور معلولان، مصداق تام و بارز حدیث «من لم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم» است. غیر از این حدیث احادیث فراوان دیگر ویژه معلولین مأثور است. مثل حدیث امام حسین (ع) که به هنگام زیارت مکه در مسیر رفتن به طف، عموم مردم و به ویژه نخبگان را شماتت و توبیخ می‌فرماید که چرا نیینیان، ناشنویان و دیگر معلولین را رسیدگی و حمایت نمی‌کنید.^۲

اصل حمایت همگانی به عنوان یک وظیفه عمومی در فرمایشات معصومین (ع) و کلام امام خمینی مطرح شده ولی متأسفانه اقشار نخبه و فرهیخته که باید الگوی مردم باشند کمتر به آن توجه دارند.

پس آماري که از معلولین سال ۵۸ ارائه شده بسیار قابل توجه است. زیرا بعد از حدود سی سال در سال ۱۳۹۴، سازمان بهزیستی هنوز می‌گوید آمار معلولان سه چهار میلیون نفر است. البته کارشناسان بهزیستی که رسماً اظهار نظر کرده‌اند، پانزده درصد جمعیت را دارای معلولیت دانسته‌اند یعنی حدوده ده میلیون نفر معلولند.

امام به عنوان رهبر جامعه قول داده نقص‌ها و کمبودهای دارو، درمان، پزشکی، معیشتی و تأمین رفاهی را جبران کند و آنها را پیگیری نماید. البته

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۶۱-۱۶۲.

۲. تحف العقول، ص ۴۳۷.

مشکلات جامعه همواره رو به ازدیاد بوده و امروز نه تنها کمبودها برطرف نشده بلکه بسیار زیادتر هم شده است. لازم است سازمان‌های مربوطه مثل بهزیستی و کمیته امام و بنیاد پانزده خرداد در این زمینه گزارش و توضیح بدهند و با صداقت با مردم و معلولین برخورد نمایند.

آخرین نکته بسیار مهم این است که در سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب مردم و ملاقات‌کنندگان بدون حاجب و پاسدار کنار امام می‌نشستند و دوستانه با هم گفت‌وگو می‌کردند. بعداً به دلیل مسائل امنیتی بین رهبری و مردمی فاصله‌هایی ایجاد شد. حضرت علی (ع) در فرمان مالک اشتر به مدیران و مسئولین جامعه می‌گوید: لازم است معلولین در کنار تو بدون سرباز و یاران نشسته و بدون اضطراب و نگرانی با تو سخن بگویند.^۱ متأسفانه در سال‌های اخیر معلولین نمی‌دانند سخن خود را با چه کسی مطرح کنند حتی شهرداری منطقه و ناحیه که نزدیک‌ترین مدیر برای رسیدگی به معلولان است، اهتمام به امور معلولان ندارند.

دیدار با جمعی از روشندان (۲۸ مهرماه ۵۸): روشندان اصطلاح و نامی است که برای نابینایان به کار می‌رود و سابقه آن به چهار دهه اخیر باز می‌گردد. به احتمال قوی محل ملاقات قم بوده و درباره مسائل زیر برای آنان سخنرانی کرده است:

- ۱- انسان به روح و بصیرت و قلب انسان است، دست و پا و چشم و گوش آلات و وسایل برای روح است. گاه این وسایل ناقص می‌شود و گاه از بین می‌رود ولی با از بین رفتن آنها، انسانیت از بین نمی‌رود.
- ۲- شایعه عدم دسترسی به شخص امام خمینی و ضرورت عدم توجه به

۱. نهج البلاغه، عهد نامه مالک اشتر فراز ۷ ترجمه محمد دشتی.

اینگونه شایعات، زیرا ایشان هر روز با اقشار مختلف ملاقات و مردم در نزدیک او نشسته و حتی انتقاد می‌کنند و در کنار ایشان می‌نشینند.

۳- مشکلات مردم و معلولان زیاد است و لازم است رسیدگی شود.^۱

این سه مطلب که در این سخنرانی مطرح شده در سخنرانی‌های قبل هم بود ولی چون در یک هفته اخیر شایعات زیاد شده بود مجدداً ایشان این موارد را تکرار کردند.

تنها موردی که امام در یک ماه دو بار با معلولان ملاقات دارد مهرماه ۱۳۵۸ است. در هر دو ملاقات هم ملاقات‌کنندگان، نابینایان هستند.

گروهی از معلولان و داوطلبین اعزام به جبهه (۴ دی ماه ۵۹): این

سخنرانی حدود سه ماه بعد از شروع جنگ عراق علیه ایران بیان شده است. نکاتی که مطرح شده عبارت‌اند از:

۱- متحول شدن مردم و ایثار مال و جان در راه خدا و دفاع از ایران

۲- سوء استفاده از شهداء و معلولین و استفاده ابزاری از آنان برای به قدرت رسیدن مطرود و ممنوع است.^۲

بخش‌های زیادی از این سخنرانی درباره شهادت در میدان نبرد و معلول شدن در میدان رزم است ولی دو اصل فوق که مرتبط به عموم معلولین اعم از جنگی و عادی است اهمیت فوق العاده دارد.

در سال‌های ۵۸ تا ۶۱ روحیه ایثار و از خود گذشتگی در جامعه ایران به حدّ اعلاء رسیده بود و مدیران دولتی باید از این شرایط خاص استفاده می‌کردند، مشکلات معلولین را تا حد زیادی می‌شد مرتفع کرده ولی تدبیر و برنامه‌ریزی از

۱. صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۹.

۲. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۲۴.

طرف سازمان بهزیستی ضعیف بود و نتوانستند از این شرایط استفاده بهینه نمایند.

دومین نکته این است که استفاده ایزاری از معلولان از طرف هر کس باشد ممنوع است. برخی مدیران مراکز با جلو انداختن معلولین می‌خواهند به اهداف خاصی برسند یا برخی دیگر مدیران رسیدن به اهداف اقتصادی یا اجتماعی خود را با استفاده از معلولین تدبیر می‌کنند، طبق این اصل همه اینها ممنوع است. معمولاً اینگونه افراد در حدّ معدودی به معلولان رسیدگی می‌کنند، حضرت علی(ع) در این مورد می‌فرماید: ای مالک فلا یَشْغَلَنَّكَ عَنْهُمْ بَطْرٌ یعنی سرمستی حکومت و اهداف نامشروع موجب نشود به آنان رسیدگی نکنی.^۱

اعضای انجمن اسلامی وزارت بهداری و بهزیستی (۱۸ خرداد

۱۳۶۰): امام خمینی در دیدار با اعضای ستاد انجمن‌های اسلامی وزارت بهداری و بهزیستی و اқشار مختلف مردم نکاتی را مطرح کرد:

۱- توجه به رفتار و اعمال خود و جلوگیری از منحرف نشدن. انجمن‌های اسلامی و متدینین بیشتر در معرض وسوسه‌ها هستند از این‌رو باید مواظبت کنند و رفتارها را منطبق با ضوابط اسلامی کنند.

۲- خدمت به معلولین و مجروحین و مریض‌ها مهم و ارزشمند است.

۳- خضوع در برابر قانون و ضرورت عمل به قانون، کنار گذاشتن منافع شخصی و توجه به منافع عمومی با عمل به قانون، هر چند قانون به ضرر فرد باشد ولی به نفع عموم باشد باید به آن التزام داشت.^۲

۱. عهد نامه مالک اشتر ترجمه محمد دشتی، فراز ۷.

۲. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۶۸-۲۷۱.

اکثر مطالب این سخنرانی سیاسی و ناظر به شرایط و وضع آن دوره است. گروه‌های سیاسی در آن زمان در مقابل دولت تازه شکل گرفته ایستادگی کنند. گروه‌های ملی‌گرا و چپ با تظاهرات و پخش اعلامیه و نامه سرگشاده و دیگر روش‌ها تلاش می‌کردند، در حاکمیت نفوذ و مشارکت داشته باشند. در مقابل امام خمینی می‌گفت الان در حال جنگ هستیم و بخشی از کشور در اشغال متجاوزین است از این‌رو اینگونه روش‌ها موجب تخریب و تضعیف دولت مردمی می‌شود.

اما سه محور و اصل سودمند برای معلولین در این سخنرانی مطرح کرده است. در اصل نخست متذکر شده که معلولان وقتی به سعادت می‌رسند که بر اساس اسلام عمل کنند در واقع اسلام حامی و پشتیبان آنها است. فقه اسلامی، سیره نبوی و قرآن کریم بهترین مطالب و مباحث را در دفاع از معلولین مطرح کرده‌اند. اما متأسفانه این مباحث به روز بازنگاری و عرضه نشده است. اما دو مبحث قانون‌گرایی و ضرورت خدمت به معلولین در گذشته هم مطرح شده و توضیح داده‌ایم.

دیدگاه‌های کتبی

غیر از سخنرانی‌های مزبور، امام در چهار سند کتبی هم به معلولین پرداخته است:

- پیام به ملت ایران ۹ دی ۱۳۵۸

- پاسخ نامه رئیس بهزیستی ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۰

- فرمان تأسیس بنیاد ۱۵ خرداد ۲۲ تیرماه ۱۳۶۲

- پاسخ امنای کهریزک در استفاده از سهم امام ۴ تیرماه ۱۳۶۵

این چهار سند به نحوی مسئله معلولین را مطرح و دیدگاه امام در آنها منعکس شده است.

امام خمینی در ۹ دی ۱۳۵۸ قبل از شروع جنگ تحمیلی پیامی به مناسبت

هفته مصدومین و معلولین خطاب به مردم ایران منتشر کرده است. جملاتی از آن که شامل معلول است می‌آورم:

- سلام به عزیزان ما که در راه عزت اسلام و عظمت کشور به پا خواسته و در راه دفاع از میهن معلول و مجروح شدند.

- درود بر شما معلولان و مصدومان که اعضاء و سلامت خود را در راه اعتلاء قرآن کریم از دست دادید.

- درود بر خواهران و برادران مصدوم و معلول که شجاعانه در راه حق و پیروزی قیام کردند.^۱

همانطور که از متن این پیام پیداست معلولانی که در جریان حوادث انقلاب اسلامی آسیب دیدند، مخاطب‌اند و معلولین عادی از قلمرو این پیام خارج‌اند. دکتر فیاض بخش در مورد استفاده از سهم امام برای رفع مشکلات معلولین نامه‌ای به امام مرقوم کرده و امام در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ در پاسخی به او می‌نویسد:

استفاده از سهم امام در این مورد با نظارت حجة الاسلام مهدوی کنی اشکال ندارد.

ایشان در ۲۲ تیرماه فرمانی خطاب به حجة الاسلام حسن صانعی جهت تأسیس بنیاد ۱۵ خرداد صادر کرده و می‌نویسد:

جنابعالی را به سرپرستی بنیاد ۱۵ خرداد منصوب می‌نمایم تا به وضع مستضعفین و محرومین رسیدگی نمایید و در ادامه می‌نویسد: بدیهی است خانواده شهدای محترم و معلول عزیز مورد توجه بیشتر آن بنیاد قرار گیرد.

هیئت مدیره آسایشگاه معلولین کهریزک در نامه‌ای به امام درخواست مجوز استفاده از سهم امام کرده و امام در ۴ تیرماه ۱۳۶۵ پاسخ آنها را داده است.

متن نامه و جواب امام ذیلاً آورده می‌شود.

باسمه تعالی

به پیشگاه مقدس رهبر کبیر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (مدظله العالی) احتراماً به استحضار عالی می‌رساند، آسایشگاه معلولین و سالمندان کهریزک مرکزی است خیریه که با کمک و همت اشخاص خیر و نیکوکار تأسیس و هم اکنون با بهره برداری از مرکز جدید به لطف و عنایت پروردگار بزرگ پذیرای ششصد نفر از عزیزان معلول و سالمند بی‌بضاعت می‌باشد. در این رابطه اشخاصی هستند که مایلند وجوهاتی را به عنوان سهم امام به این آسایشگاه کمک نمایند علی‌هذا استدعا می‌شود چنانچه این امر از نظر حضرت عالی مانعی ندارد و سهم امام به این محل تعلق می‌گیرد کتباً ابلاغ فرمایید که مسئولیت شرعی برای خدمتگزاران در این آسایشگاه نباشد. در خاتمه سلامتی و طول عمر وجود شریف و پیروزی رزمندگان را در جبهه‌های حق علیه باطل را درگاه خداوند تبارک و تعالی مسئلت می‌نماید. والسلام علی من اتبع الهدی.

۱۳۶۵/۳/۲۰ - هیئت مدیره - مدیر عامل آسایشگاه معلولین کهریزک

باسمه تعالی

اشخاصی که از طرف این جانب مأذون هستند در صرف مقداری از سهم مبارک امام (ع) مجازند از این مقدار در این آسایشگاه صرف نمایند. چنانچه در مدارس آموزش و پرورش نیز به همین نحو اجازه داده‌ام. ان شاء الله تعالی موفق باشند. تاریخ ۱۷ شوال المکرم ۱۴۰۶ - ۶۵/۴/۴

روح الله الموسوی الخمينی^۱

نتیجه اینکه امام خمینی هم در نظریه پردازی، دیدگاه مهم و نو درباره

معلولین مطرح کرده و در زمینه ضرورت رسیدگی به آنان و خدمات رسانی و پرستاری آنان نکات خوبی بیان کرده و هم در زمینه اختصاص اموال به آنان جهت رفع مشکلات دارو و درمان و دیگر نیازهای آنان اقداماتی داشته است.

طبقات معلولین

معلولین که با اسامی توان خواه، مددجو و توان یاب بیان می شود از نظر منشأ و علت پیدایش به معلولین جنگی، معلولین مادرزاد، معلولین حادثه ای، معلولین ژنتیکی و معلولین بر اثر بیماری های صعب العلاج تقسیم شده اند. معلولان جنگ را در ایران به نام جانباز می شناسند.

سال های نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نگاه ها معطوف حل مشکلات ضعفا و آسیب مندان بود، از این رو امام خمینی هم در عرصه معلولین فعال بوده ولی با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در ۲۶ شهریورماه ۱۳۵۹، قشر جدیدی به نام معلولان جنگ یا جانبازان شکل گرفت و نگاه ها معطوف آنها شد و معلولین مادرزاد و حادثه ای و دیگر قشرهای معلولیت دار در حاشیه قرار گرفتند؛ زیرا اولویت در رسیدگی آنان بود. این جنگ تا ۱۳۶۷ یعنی ۹ سال ادامه داشت و معلولین عادی با همه کمبودها ساختند و امیدوار بودند پس از جنگ و بهبود شرایط کشور به آنان رسیدگی خواهد شد. البته جامعه معلولان کشور سال های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۶ را تجربه کرده بود، سال هایی که چندین مرکز رفاهی داشتند و بودجه های کشوری مناسبی برایشان تخصیص یافته بود و به قول خودشان دوره طلایی زندگی آنان بود.

جدول پیشین هم نشان می دهد امام خمینی بین سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۵ بیشترین توجه را به این قشر از معلولان داشتند ولی با مطرح شدن جانبازان، مجبور بودند به اینان توجه نمایند. هر چند می توان گفت امام خمینی سازمان بهزیستی، کمیته امداد و بنیاد پانزده خرداد را دایر کردند تا به معلولان رسیدگی کنند و وظیفه این نهادها بوده نه شخص ایشان.

فصل سوم:
نهادسازی

امام خمینی به منظور اجرای افکار و طرح‌هایش در عرصه معلولین، از ماه‌های نخست پیروزی انقلاب به تأسیس نهادهای مدنی پرداخت. این فصل درباره نهادهایی است که ایشان طی چند سال ایجاد کرده است.

ضرورت نهادسازی

برای رفع معلولیت و محرومیت نیازمند نهادهای اجرایی و خدماتی است. اما نهادهای پیش از انقلاب با پیروزی انقلاب اسلامی از بین رفت. حدود پانزده سازمان رفاهی پیش از انقلاب برای معلولین شکل گرفته و تأسیس شده بود اما در جریان انقلاب اسلامی همه از بین رفت. زیرا اینها مستقیم یا غیر مستقیم و با واسطه به دربار و به ویژه فرح پهلوی وصل بودند و از امکانات و بودجه دربار استفاده می کردند و انقلاب اسلامی حرکتی علیه دربار پهلوی بود.

اما جامعه ایران با آمار بالای معلولان و محرومان، بدون سازمان‌ها و نهادهای رسیدگی کننده به امور معلولان ممکن نبود. به همین دلیل حاکمیت جدید و در رأس آن امام خمینی چند نهاد جدید راه اندازی کردند:

۱- بنیاد مستضعفین (۹ اسفند ۵۷)

۲- کمیته امداد امام خمینی (۱۴ اسفند ۵۷)

۳- حساب صد امام و بنیاد مسکن (۲۱ فروردین ۵۸)

۴- سازمان بهزیستی (۲۴ تیرماه ۵۹)

۵- بنیاد پانزده خرداد (۱۳۶۰)

لازم است این نهادها را به ترتیب تاریخی (تاریخ تأسیس) بررسی کنیم.

بنیاد مستضعفان

(تأسیس ۹ اسفند ۱۳۵۷)

این بنیاد نخستین سازمانی است که پس از انقلاب تأسیس شد. سنگ بنای تشکیل بنیاد مستضعفان بر پایه فرمان امام خمینی در اسفندماه ۱۳۵۷ خطاب به شورای انقلاب اسلامی شکل گرفت و ایجاد شد.

متن فرمان امام که در ۹ اسفندماه ۵۷ صادر شد به دلیل اهمیت آن عیناً

آورده می شود:

شورای انقلاب اسلامی به موجب این مکتوب مأموریت دارد که تمام اموال منقول و غیرمنقول سلسله پهلوی و شاخه‌ها و عمال و مربوطین به این سلسله را که در طول مدت سلطه غیرقانونی از بیت المال مسلمین اختلاس نموده‌اند به نفع مستمندان و کارگران و کارمندان ضعیف مصادره نماید و منقولات آن در بانک‌ها با شماره به اسم شورای انقلاب یا اسم اینجانب سپرده شود و غیرمنقول از قبیل مستغلات و اراضی ثبت و مضبوط شود تا به نفع مستمندان از هر طبقه صرف گردد، در ایجاد مسکن و کار و غیرذالک، به جمیع کمیته‌های انقلاب اسلامی در سراسر کشور دستور می‌دهم که آنچه از این غنائم به دست آوردند در بانک با شماره معلوم بسپرنند و به دولت ابلاغ نمایند که این غنائم مربوط به دولت نیست و امرش با شورای انقلاب است و آنچه مأمورین دولت به دست آورده‌اند یا می‌آورند باید به همین شماره به بانک تحویل دهند و کسانی که از این اموال چیزی به دست آورده‌اند، باید فوراً به کمیته‌ها یا بانک تحویل دهند و متخلفین مورد مؤاخذه خواهند بود.» در این فرمان، واژه معلول و مترادفات آن نیامده و فقط مستمندان و کارگران و کارمندان ضعیف آمده است. این دو تعبیر عام است و شامل معلولین هم می‌شود.

بنیاد مستضعفان در تاریخ ۱۴ اسفندماه ۱۳۵۷ زیر نظر هیئت منتخب امام مرکب از آقایان: حضرت آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای، اکبر هاشمی پهرمانی، آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی، میر کریم موسوی کریمی (آیت‌الله اردبیلی)، احمد جلالی، علی اصغر مسعودی و عزت‌الله سبحانی تأسیس گردید.

هیئت مؤسسين در نخستین اجلاس خود در تاریخ تیرماه ۱۳۵۸، اساسنامه بنیاد مستضعفان را در ۲۵ ماده و یک تبصره تنظیم نمود که به تأیید شورای انقلاب اسلامی رسید و بنیاد مستضعفان مطابق ماده ۸ آیین‌نامه اصلاحیه مؤسسات غیر انتفاعی به تاریخ ۱۳۵۸/۵/۳ با شماره ۱۹۸۳ به ثبت رسید.

در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۲۱ لایحه قانونی اساسنامه بنیاد به تصویب شورای انقلاب اسلامی رسید و جایگزین اساسنامه مؤسسان گردید.^۱

در این مصوبات غیر از واژه مستضعف و محرومان در یکی از بندها چنین آمده است: هدف ما توانمندسازی منابع انسانی و توسعه سلامت است.

تاریخ تحولات: اولین نهادی است که پس از پیروزی انقلاب با هدف ارائه خدمات رفاهی و فرهنگی به محرومان کشور بر اساس فرمان امام خمینی به شورای انقلاب، در اسفند ۱۳۵۷ تأسیس شد. هدف اصلی از تأسیس آن، اداره دارایی‌های سلسله پهلوی و وابستگان، و بهره‌برداری از آنها در جهت بهبود وضع افراد بی‌بضاعت بود در مرداد ۱۳۵۸، بنیاد مستضعفان به شماره ۱۹۸۳ در اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی به ثبت رسید. اعضای مؤسس آن چند تن از دولتمردان و اعضای شورای انقلاب بودند و سرمایه اولیه بنیاد بیش از یکصد میلیون ریال، تعیین شد اهداف کلان بنیاد مستضعفان بر اساس فرمان‌های امام خمینی در اسفند ۱۳۵۷، مرداد ۱۳۶۳ و فروردین ۱۳۶۵ و طبق اساسنامه بنیاد (مصوب ۲۱/اردیبهشت/۱۳۵۹) عبارت است از: سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری اقتصادی مطلوب و مناسب از کلیه دارایی‌های بنیاد در چارچوب قوانین کشور؛ تأمین اشتغال و ایجاد مسکن برای محرومان جامعه؛ کمک به تأمین بودجه طرح فرهنگی ویژه فرزندان شهدا، جانبازان، مفقودان و اسیران جنگ؛ و ارائه کمک بلاعوض به فقرا شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی را مسئول رسیدگی به امور بنیاد کرد.

بنیاد در شروع فعالیت خود، اموال خاندان پهلوی و وابستگان آنها را به منظور تحقق اهداف تعیین شده شناسایی و تملک کرد و سعی نمود با

ساماندهی این اموال از آن به نفع محرومان و مستضعفان استفاده کند. از نخستین اقدامات بنیاد مستضعفان در ۱۳۵۸ ش کمک به سیل زدگان جنوب کشور بود. در ۱۳۵۹ ش، به دنبال بروز برخی نابسامانی‌ها در پی هشدار امام خمینی، هیئتی مسئول رسیدگی به عملکرد بنیاد تا آن زمان شد. در شهریور ۱۳۵۹، محمدعلی رجایی، نخست وزیر وقت، از سوی امام خمینی سرپرست بنیاد شد پس از شهادت رجایی در ۱۳۶۰ ش، میرحسین موسوی، نخست وزیر وقت، به فرمان امام خمینی مسئول بنیاد مستضعفان شد. در ۱۷ بهمن ۱۳۶۷، و در پی دستور امام خمینی مبنی بر رسیدگی به امور جانبازان، نام «بنیاد مستضعفان» به «بنیاد جانبازان انقلاب اسلامی» تغییر یافت و امکانات و فرصت‌های شغلی بنیاد در اختیار جانبازان قرار گرفت. پس از درگذشت امام خمینی (در خردادماه ۱۳۶۸) آیت الله خامنه‌ای، مقام رهبری، طی حکمی (۱۵/ شهریور/ ۱۳۶۸) با تغییر نام بنیاد به «بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی» محسن رفیق دوست را به ریاست بنیاد منصوب کردند. در مهر ۱۳۷۰، اساسنامه جدید بنیاد به تصویب مقام رهبری رسید. بر اساس این اساسنامه ساختار بنیاد تغییر کرد، و به دو بخش اقتصادی و جانبازان تقسیم شد. این تشکیلات زیر نظر مقام رهبری، و بر اساس قوانین حاکم بر بخش خصوصی اداره می‌شود.^۱

اساسنامه: در هیچ جای اساسنامه بنیاد کلمه معلول و مترادفات آن نیامده ولی جاهایی از آن که واژه‌های مترادف معلول آمده است.

ماده (۶) - اهداف کلی بنیاد:

اهداف کلی بنیاد عبارت است از اداره بهینه سرمایه‌های تحت پوشش و حضور در صحنه‌های اقتصادی کشور و جهان به منظور کسب منافع و مصرف

آن در کاهش محرومیت و استضعاف مادی و فرهنگی مستضعفان.

ب) وظایف کلی کمک به محرومان:

انجام فعالیت‌های امدادی و عام‌المنفعه به منظور کاهش محرومیت مستضعفان در چارچوب تدابیر ابلاغی مقام معظم رهبری.

ج) ارائه خدمات به محرومان و مستضعفان در چارچوب تدابیر مقام معظم رهبری و برابر برنامه و بودجه سالانه و دوره‌ای مصوب انجام خواهد شد.^۱

واژه‌هایی مانند محروم و مستضعف با واژه معلول و معلولیت سنخیت و ترادف دارند.

کمیته امداد امام خمینی

(تأسیس ۱۴ اسفند ۱۳۵۷)

سابقه شکل‌گیری و پی‌ریزی تشکیلات این نهاد به سال‌های قبل از پیروزی انقلاب و حدوداً سال ۱۳۴۲ برمی‌گردد که تعدادی از انقلابیون اول نهضت اسلامی که در زمره همراهان و هم‌زمان حضرت امام خمینی قرار داشتند و بعضاً مسئولین فعلی این نهاد می‌باشند، از طرف معظم له مأموریت رسیدگی به خانواده زندانیان سیاسی، نیازمندان مبارزین را به عهده داشتند.

اقدامات حمایتی و امدادی این بزرگان خصوصاً در زمان اوج‌گیری انقلاب اسلامی یعنی سال‌های ۵۶ و ۵۷ که مبارزات امت مسلمان به اوج خود رسید و اعتصاب و تحصن همه جا را فرا گرفت، با حمایت گسترده و فراگیر از اعتصابیون و خانواده زندانیان سیاسی و نیازمندان جامعه سیر صعودی یافت.

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و آغاز فعالیت مجدد بخش‌های اداری، اقتصادی و فرهنگی کشور، لزوم حمایت از نیازمندان در صدر برنامه‌های نظام قرار گرفت و دقیقاً ۲۲ روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به

عنوان دومین نهاد انقلابی در تاریخ ۱۴ اسفندماه ۱۳۵۷، کمیته امداد امام، با صدور حکم پرخیر و برکت و تاریخی حضرت امام خمینی (ره) برای مدت نامحدود، به منظور تحقق بخشیدن به اهداف عالی نظام جمهوری اسلامی ایران و ولایت فقیه در حمایت و امداد محرومان و مستضعفان و خودکفا کردن آنان، تأسیس گردید.

اساسنامه: کمیته امداد امام خمینی (ره) بر اساس اندیشه و تفکر دینی و فقهی حضرت امام خمینی (ره) و به دست ایشان با هویتی دینی و مردمی، جهادی، عام المنفعه و غیر انتفاعی تأسیس شد تا پیام آور فرهنگ احسان، ایثار، اتفاق و نیکوکاری در جامعه‌ی اسلامی بوده و غیرت و کرامت انسانی را در حمایت از محرومان حفظ کند.

ماده یک: نام کمیته امداد امام خمینی (ره) در این اساسنامه به اختصار امداد امام نامیده می‌شود.

ماده دوم: هدف از تشکیل امداد امام، توانمندسازی و شکوفایی استعدادها و تأمین خوداتکایی، تقویت و رشد ایمانی و اعتقادی نیازمندان و محرومان با ارائه خدمات اجتماعی، حمایتی، فرهنگی و معیشتی به آنان می‌باشد.

وظایف امداد امام: سیزده بند به عنوان وظیفه برای کمیته برشمرده‌اند که عبارت‌اند از:

۱- بررسی و شناخت انواع محرومیت‌های مادی و معنوی نیازمندان و تبیین آنها و شناسایی افراد و خانواده‌های لازم‌الحمایه در شهر، روستا و عشایر.

۲- پیشنهاد خط مشی، سیاست‌های اجرایی و طرح و برنامه‌های مؤثر برای رفع محرومیت‌ها در ابعاد مختلف به مراجع ذیربط با استفاده از تمام ظرفیت‌های مردمی، دینی و قانونی.

۳- فراهم آوردن امکانات لازم به منظور توانمندسازی، خوداتکایی، استقلال اقتصادی افراد و خانواده‌های نیازمند از طریق استعداد سنجی، مهارت آموزی،

- ایجاد اشتغال، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و اعطای وام خدمات در حد توان.
- ۴- ایجاد تسهیلات لازم در جهت سلامت خانواده‌های نیازمند و تأمین خدمات بهداشتی و درمانی و اقدام به بیمه‌های درمانی و اجتماعی آنان در حد امکانات و قوانین و مقررات مربوطه.
- ۵- پرداخت نقدی و مساعدت‌های غیرنقدی از قبیل تأمین مسکن، جهیزیه و کمک به ازدواج نیازمندان.
- ۶- ارائه تسهیلات قرض الحسنه به نیازمندان در چهارچوب ضوابط مصوب هیئت امنا امداد امام از طریق:
- الف - ایجاد صندوق قرض الحسنه با جذب سپرده‌های مردمی.
 - ب - بهره‌گیری از امکانات سایر صندوق‌های قرض الحسنه.
 - ج - بهره‌گیری از قرض الحسنه و تسهیلات بانک‌ها و مراکز دولتی.
 - د - استفاده از سایر ظرفیت‌های قانونی.
- ۷- ارائه خدمات فرهنگی به افراد و خانواده‌های نیازمند و ارتقاء باورهای دینی و سبک زندگی اسلامی آنان از طریق فعالیت‌های آموزشی، تربیتی با بهره‌گیری از ظرفیت حوزه‌های علمیه و دیگر مراکز فرهنگی.
- ۸- صیانت از نهاد خانواده و ارائه خدمات مشاوره، مددکاری و حمایت‌های لازم حقوقی و قضایی از افراد و خانواده‌های نیازمند.
- ۹- انتقال تجربیات و راهکارهای رفع فقر و کمک به نیازمندان دیگر کشورها در چهارچوب سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۰- ترویج و احیاء فرهنگ احسان و نیکوکاری و اکرام ایتام و نشر سنت‌های حسنه‌ی اسلامی، جذب و جلب، تمرکز و مدیریت زکوات، صدقات، انفاقات، اعانات و درآمد موقوفات حمایتی و توانمندسازی که به نام امداد امام وقف می‌شود و مصرف آنها در جهت رفع انواع محرومیت‌های نیازمندان مطابق ضوابط اسلامی.

۱۱- ارتباط و هماهنگی با مؤسسات خیریه و تشکل‌های نیکوکاری مردمی داخل و خارج از کشور به منظور تعامل و تبادل تجربه و بهره‌گیری از ظرفیت‌های آنها در جهت انجام حمایت‌های مادی و معنوی از محرومان با تقویت و گسترش مشارکت مردمی.

۱۲- ایجاد ساز و کار قانونی به منظور هماهنگی و سامان‌دهی نظارت بر حسن عمل مؤسسات خیریه رسمی مرتبط با فعالیت‌های امداد امام.

۱۳- انجام مأموریت‌هایی در چهارچوب اهداف و وظایف امداد امام که توسط مراجع قانونی تعیین و تأمین اعتبار می‌شود.^۱

سند چشم‌انداز کمیته‌ی امداد امام خمینی در افق ۱۴۰۴ هـ.ش:

مدیریت کمیته در سال ۱۳۸۴ برای آینده محرومان، وضعیت روشن و سعادت‌آفرین پیش‌بینی کرده و در سایت کمیته مطلبی با عنوان چشم‌انداز آمده که عیناً می‌آورم:

سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی امداد به عنوان منشور حرکت جمعی مطلوب بلندمدت امداد در جهت رسیدن به قله‌ی رفیع نظام، یعنی ایجاد حیات طبیعی اسلامی و تأمین رفاه مادی در کنار عدالت، معنویت و اخلاق برای مردم به ویژه محرومین به عنوان سهامداران نظام اسلامی است.

چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی امداد مبتنی بر اصول قانون اساسی و رهنمودهای حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری، اساسنامه و تجارب مفید امداد، هماهنگ و در راستای تحقق چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران است که قابلیت عملیاتی شدن در ۴ برنامه‌ی ۵ ساله را دارا می‌باشد.

کمیته امداد امام خمینی (ره) در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت: توسعه‌دهنده‌ی شبکه ارتباطی و حمایتی مردمی

و کارآمد برای انجام کارهای عمیق، ماندگار، زود بازده و اثربخش در میان اقشار آسیب پذیر جامعه با رعایت اصول جامعیت و مطلوبیت.

دارای نقش محوری و بازوی توانمند نظام جمهوری اسلامی در جهت تقویت تکافل و توازن اجتماعی و معین دولت در تحقق برنامه‌ها و خدمات و حمایت‌های اجتماعی.

پیشتاز در احیاء و ترویج سنت‌های حسنه‌ی اسلامی و تأثیرگذار بر تقویت همبستگی‌های اجتماعی و حفظ همگرایی مردم با نظام اسلامی و تأمین اصل عدالت و رضایت اجتماعی.

صیانت از تحکیم نهاد خانواده و احیای عزت و کرامت فردی، خانوادگی و ملی و توانمند سازی محرومین و زدودن فقر با تأکید بر مناعت طبع و خود اتکایی.

دارای تعاملی مؤثر و سازنده با سازمان‌ها و نهادها، متکی به مشارکت‌های مردمی و منابع اختصاصی و بهره گیرنده از منابع عمومی.

الهام بخش، فعال و مؤثر در سطح ملی، جوامع اسلامی و بین المللی به عنوان تکیه‌گاه قابل اعتنای محرومان و مستضعفان.^۱

از سال ۱۳۸۴ تا کنون دو پنج سال گذشته است و بر مبنای این چشم انداز وضع معلولان به عنوان محرومان جامعه باید بهتر شده باشد ولی نشانه‌ای از بهتر شدن مشاهده نمی‌شود بلکه رفاه و معیشت و مشکلات آنها بدتر شده است.

حساب ۱۰۰ امام و بنیاد مسکن

(تأسیس ۲۱ فروردین ۵۸)

امام خمینی به منظور خانه‌دار شدن همه مردم که خانه ندارند، به تاریخ ۲۱

فروردین ۱۳۵۸ یعنی حدود دو ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، راه کاری برای خانه‌دار شدن محرومین اندیشیده حسابی به نام حساب ۱۰۰ اعلام کرد و از مردم خواست در این پروژه همکاری کنند. در همان تاریخ پیامی هم صادر کرد. مطالب مهم این پیام چنین است:

ملت من، برادران و خواهران دلیر و مبارز دوران سازندگی، دورانی که باید از ثمرات انقلابمان مردم محروم ستم‌دیده ایران بهره‌مند شوند، دورانی که باید شکوه نظام عدل اسلامی را لمس کنید، دورانی که همه باید دست به دست هم بدهیم تاریشه فقر و استضعاف را بر کنید. اکنون نیز باید با خود یاری و همکاری برای مبارزه علیه فقر و محرومیت بسیج شوید و با تأیید الهی و نجات مردم مستضعف کمر همت ببندید. در رژیم منفور پهلوی مسئله مسکن یکی از مصیبت‌بارترین مشکلات اجتماعی مردم ما بود. بسیاری از مردم در اسارت تهیه یک قطعه زمین و داشتن یک لانه بودند و چه بسا تمام عمرشان را زیر بار بانک‌ها و سودجویان و غارتگران به سر می‌برند تا بتوانند پناهگاهی را برای خود و فرزندان‌شان دست و پا کنند. قشر عظیمی از مستضعفان جامعه هم به کلی از داشتن خانه محروم بودند و در زوایای بیغوله‌ها و اطافک‌های تنگ و تاریک و خرابه‌ها به سر می‌برند و چه بسا قسمت مهمی از درآمد ناچیزشان را بایستی برای اجاره آن بپردازند. نظام اسلامی چنین ظلم و تبعیضی را تحمل نخواهد کرد و این از حد اقل حقوق هر فرد است که باید مسکن داشته باشد، مشکل زمین باید حل شود و همه بندگان محروم خدا باید از این موهبت الهی استفاده کنند. همه محرومان باید خانه داشته باشند هیچ کس در هیچ‌گونه مملکت نباید از داشتن خانه محروم باشد. بر دولت اسلامی است که برای این مسئله مهم چاره‌ای بیندیشد و بر همه مردم است که در این مورد همکاری کنند. اینجانب حسابی به شماره یکصد (۱۰۰) در تمام شعب بانک ملی افتتاح کرده و از همه کسانی که توانایی دارند دعوت می‌کنیم که برای کمک به خانه‌سازی

برای محرومان به این حساب پول واریز کنند و در هر محل از بین افراد صالح و مورد اعتماد گروهی حد اقل مرکب از سه نفر از مهندسان و کارشناسان شهرسازی و خانه سازی و یک نفر روحانی و یک نماینده دولت انتخاب شوند تا با صرفه جویی و دقت کامل خانه های ارزان قیمتی بسازند و در اختیار محرومان قرار دهند و در این طرح به هیچ وجه پولی در برابر خرید زمین پرداخت نشود.^۱ جهت اجرایی شدن این فرمان که علی القاعده معلولان را هم شامل می شد، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی تأسیس شد. در واقع این بنیاد در فروردین ۱۳۵۸، با فرمان امام خمینی (ره) تأسیس شد. این بنیاد برای تحقق اصل سی و یکم قانون اساسی که بر حق همگانی افراد و خانواده ها، به ویژه روستائینان و کارگران، در برخورداری از مسکن تأکید می کند، به وجود آمد. اساسنامه بنیاد در ۱۳۶۶ ش، به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. بنابراین اساسنامه، اهم وظایف بنیاد عبارت است از: بررسی و تشخیص و تعیین نیازمندی های مسکن افراد محروم، تهیه زمین، تأمین مصالح، نظارت بر پرداخت وام، تهیه طرح اصلاح معابر روستایی، بازسازی و نوسازی مناطق جنگ زده و آسیب دیده از زلزله و سیل. نشریه داخلی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، انبار، به درج اخبار بنیاد می پردازد.

برای اجرایی شدن فرمان امام جهت تأمین مسکن نیازمندان از جمله معلولان محروم این بنیاد تأسیس شد ولی تا کنون گزارشی درباره اینکه چه کاری برای این قشر انجام داده، منتشر نکرده است. حجة الاسلام رضایی نماینده ولی فقیه در بنیاد مسکن در سال ۱۳۷۴ گزارشی از پیشرفت کارها عرضه کرد و درباره کارهای این بنیاد و حساب صد امام چنین گفت:

امام راحل در بیست و یکم فروردین ماه ۱۳۵۸ اولین نهاد سازندگی را برای

رفع مشکل مسکن با صدور یک فرمان تاریخی مبنی بر افتتاح حساب ۱۰۰ صادر کردند و برای رفع این مشکل، مردم و انسان‌های مؤمن را دعوت کردند. معلوم می‌شود بهترین راهی که می‌شود مشکل انسان‌های بی‌سرپناه را حل کرد این راهی است که امام(ره) انتخاب کرده‌اند.

این فرمان تاریخی اصلش بر دعوت مردم به همکاری در رفع این مشکل است البته دستورالعمل خاصی هم در این فرمان از سوی ایشان ارائه شده است.

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی پس از فرمان تاریخی امام در سرزمین قهرمان خیز، ایثارگر و فداکار ایران شکل پیدا کرد و تا به امروز که بیش از ۱۶ سال از تأسیس آن می‌گذرد خدمات ارزنده‌ای عرضه کرده است که من این خدمات را به عرض می‌رسانم. شاید برادران بگویند پس چرا مشکل مسکن حل نشده است؟ بلکه در بعضی از جاها مشکل مسکن حادثتر و پیچیده‌تر شده است. این یک مسئله‌ای است که قابل توجه و تأمل و تدبیر و تفکر است که باید روی آن بحث کرد و موجبات افزایش مشکلات را بررسی کرد و در رفع آن کوشید.

و اما بنیاد مسکن انقلاب اسلامی با توجه به اینکه هیچ سرمایه‌اولیه‌ای نداشته است به جز کمک مردم ایثارگر و قهرمان ایران که آن هم واریز کردن پول به حساب ۱۰۰ حضرت امام(ره) بوده است تا به امروز آنچه که به آمار آمده حدود ۶۸۰ هزار واحد مسکونی در اختیار مردم در سراسر ایران قرار داده است. البته زمین‌های فراوانی در همه شهرستان‌ها توسط این نهاد تفکیک شده و در اختیار مردم قرار گرفته است.

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی کارش در خانه‌سازی برای محرومین خلاصه نمی‌شود، کارهای مختلفی دارد که یکی از کارهای بسیار بزرگ آن بازسازی مناطق آسیب دیده از سوانح است.

این نهاد در مناطق آسیب دیده از سیل بیش از ۱۰۰ هزار واحد، در مناطق

آسیب دیده از جنگ بیش از ۶۰ هزار واحد و در مناطق آسیب دیده از زلزله بیش از ۲۰۰ هزار واحد بازسازی کرده است.

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی دارای یک سازمان وابسته‌ای است به نام بنیاد بتن که مصالح تولید می‌کند. در سراسر کشور دارای ۶۷ مؤسسه و یا کارخانه تولیدی است که اینها امکانات ساختمانی و مصالح ساختمانی تولید می‌کنند و با قیمت ارزان در اختیار افراد قرار می‌دهند.

سازمان وابسته دیگر به بنیاد، مرکز مطالعات مقابله با سوانح است که با سازمان ملل همکاری می‌کند و از اندیشمندان داخلی و خارجی دعوت کرده، مطالعات بسیار ارزنده‌ای تا کنون در رابطه با مقابله با سوانح طبیعی انجام داده و کتاب‌هایی در این رابطه منتشر کرده است. سازمان دیگر بانک ماشین آلات است که به دولت در هر مکانی که نیازمند باشد، کمک می‌کند.

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی یکی از اصولی‌ترین کارهایش مسئله بهسازی مسکن روستایی است آن چیزی که تا به حال کسی به فکرش نبوده است.^۱ البته نه در فرمان امام و نه در گزارش‌های بعدی سخنی از معلولان نیست ولی واژه محرومان در گزارش‌ها آمده و این واژه اعم است و شامل معلولان هم می‌شود.

سازمان بهزیستی

سازمان بهزیستی در دهه‌های اخیر کانون و محور فعالیت‌های معلولان بوده است. اصلی‌ترین نهادی است که باید به امور مددجویان پردازد؛ از آنان حمایت کند، زمینه لازم رشد و تعالی آنها را فراهم نماید و خلاصه شرح وظایف سنگینی برای آن منظور شده است. سازمان بهزیستی کشور از مهم‌ترین نهادهای حمایتی دولتی برای سامان‌دهی به امور معلولین جامعه است. شورای

انقلاب و دولت موقت مهندس بازرگان با ادغام چند نهاد حمایتی موجود در سال ۵۸ و ۱۳۵۹، سازمان بهزیستی را ایجاد کردند. پیشنهاد دهنده اصلی دکتر محمدعلی فیاض بخش بود که در جریان هفت تیر و در انفجار حزب جمهوری به شهادت رسید.^۱

زمان حضور امام و در سال‌های نخست انقلاب این سازمان شکل گرفت و حتماً اخبار شکل‌گیری آن توسط رهبر انقلاب پیگیری می‌شده است. اولین گام در تحقق آن تجمیع نهادها و مراکز مرتبط به معلولین بود. بیش از ده تشکیلات دولتی یا نیمه دولتی، پیش از انقلاب در راستای خدمات‌دهی، توانبخشی، ایجاد رفاه و معیشت و آموزش و پرورش معلولین فعالیت داشتند. شورای انقلاب همه آنها را جمع‌آوری و در یک سازمان تجمیع کرد. گام بعد، درخواست وزارت بهداری از شورای انقلاب برای ایجاد سازمان بهزیستی برای زیر چتر گرفتن و مدیریت مراکز تجمیع شده بود. وزارت بهداری مستنداً به اصل ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی جدیداً تصویب شده، از شورای انقلاب درخواست مجوز تأسیس بهزیستی را نمود.

توضیح اینکه، مجلس خبرگان قانون اساسی در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ کارش را شروع و در ۲۴ آبان ۱۳۵۸ با تصویب ۱۷۵ اصل قانون اساسی به پایان برد. بعداً شورای بازننگری قانون اساسی در اردیبهشت ۱۳۶۸ تشکیل شد و طی ۴۱ جلسه به تغییر و اصلاح برخی اصول پرداخت و در ششم مرداد ۱۳۶۸ با رأی اکثریت مردم رسمیت یافت.^۲ در هیچکدام از اصول قانون اساسی کلمه معلول، علیل، نابینا، ناشنوا و امثال اینها نیامده است. اما در اصل ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی چنین آمده است:

۱. توان نامه، تابستان ۹۴، ص ۱۷۴-۱۷۵.

۲. دانشنامه دانش گستر، ج ۱۰، ص ۶۲۴ و ج ۱۵، ص ۲۲۰.

اصل بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: دولت مؤظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱. ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.
۲. حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست.
۳. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.
۴. ایجاد بیمه خاص بیوه‌گان و زنان سالخورده و بی سرپرست.
۵. اعطای قیومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

و اصل بیست و نهم قانون اساسی اینگونه است: برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.

بر اساس این دو اصل سازمان بهزیستی پیشنهاد و شکل گرفت. هیچ کجای این دو اصل از معلول و معلولیت و واژگان مترادف صحبت نشده است. اما در اصل ۲۹ دو واژه «از کار افتادگی» و «حوادث و سوانح» آمده که می‌توان به معلولان تعمیم داد. به عبارت دیگر معلولان مصداق از کار افتادگان و نیز مصداق کسانی هستند که بر اثر حادثه‌ای مثل تصادف یا سوانحی مثل قطع دست با ماشین نجاری به هنگام کار معلولیت پیدا کرده‌اند. به همین دلیل معلولان جزو سازمان بهزیستی قلمداد شدند. در اصل ۲۹ تصریح شده،

خدمات بهداشتی، درمانی، مراقبت پزشکی، بیمه و غیره حقی همگانی برای این گروه‌ها از جمله معلولان است و دولت موظف است از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصله از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.

در این اصل فقط به درمان و بهداشت اشاره شد و دیگر وظایف با کلمه «و غیره» آمده است، از این رو اموری مثل آموزش و پرورش، پیشگیری و توانبخشی را می‌توان مصداق «و غیره» دانست. به این روش، انواع نیازهای معلولان را به عنوان حقوق مشروع آنها دانست. دولت هم موظف است از طریق سازمان بهزیستی این امور را اجرا نماید.

لایحه تشکیل سازمان بهزیستی کشور توسط وزارت بهداشتی آماده و توسط وزیر بهداشتی به تاریخ ۲۴ خرداد ۱۳۵۹ جهت تصویب به شورای انقلاب تقدیم شد. شورا با تغییراتی به تاریخ ۲۴ تیرماه ۱۳۵۹ آن را تصویب نمود.^۱ پس از این سیر تصویب مفصل‌تر گزارش می‌شود.

امام خمینی در ۱۸ خرداد ۱۳۶۰ در سخنانی با کارمندان و مدیران سازمان بهزیستی نکات مهمی مطرح کرد که شامل معلولین و ضرورت رسیدگی به وضع آنان هم می‌شود.^۲

تغییر و تحولات در قانون بهزیستی: لایحه تأسیس بهزیستی در وزارت بهداشتی کارشناسی و تدوین شد و به تاریخ ۲۴ خرداد ۱۳۵۹ توسط وزیر به شورای انقلاب جهت تصویب نهایی ارسال گردید. گویا این وزارتخانه درصدد توسعه منابع مالی و دامنه اداری خود بوده است. اما سرنوشت این لایحه به گونه دیگر رقم خورد و سازمان بهزیستی مستقل وزیر نظر نخست‌وزیر و بعداً

۱. روزنامه رسمی شماره - ۱۰۳۱۴ ۱۳۵۹/۲/۵؛ کتاب مرجع حقوق معلولین، ص ۱۰۴ و ۱۱۰؛ سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۲. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۶۸-۲۷۱.

رئیس جمهور شد. یعنی کلاً از وزارت بهداشتی جدا شد.^۱ پس از استقلال بهزیستی از بهداشتی، مجدداً بهداشتی تلاش کرد تا بخشی از وظایف بهزیستی را بگیرد. برای نمونه مجلس شورای اسلامی در ۳ خرداد ۱۳۶۷ تصویب کرد:

ماده ۱- وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی عبارت‌اند از:
- تأمین و ارائه خدمات لازم به معلولین جسمی، ذهنی و اجتماعی قابل توانبخشی در حدود امکانات.

- تشویق و ترغیب افراد خیر و مؤسسات خصوصی جهت اقدامات حمایتی برای کودکان در سنین قبل از دبستان و سالمندان و خانواده‌ها و افراد بی‌سرپرست و نیازمند و معلولین جسمی و ذهنی و اجتماعی غیرقابل توانبخشی و ارائه این خدمات در موارد ضروری توسط مؤسسات دولتی و نظارت بر این اقدامات.^۲

اما لایحه‌ای که برای تصویب سازمان بهزیستی توسط وزارت بهداشتی با امضای مرحوم فیاض‌بخش تقدیم شورای انقلاب شده بود، اینگونه تصویب شد:

ماده واحده - در جهت تحقق مفاد اصول ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور تأمین موجبات برنامه‌ریزی، هماهنگی، نظارت و ارزشیابی و تهیه هنجارها و استانداردهای خدماتی و توسعه دامنه اجرای برنامه‌های بهزیستی در زمینه حمایت خانواده‌های بی‌سرپرست و نیازمند و ارائه خدمات مختلف به کودکان و تدارک امکانات پیشگیری و درمانی و توانبخشی حرفه‌ای و اجتماعی معلولین جسمی و روانی و تجدید تربیت منحرّفین اجتماعی و حمایت و نگهداری از کودکان و اطفال

۱. روزنامه رسمی شماره ۱۰۳۱۴، مورخ دوم مرداد ۱۳۵۹؛ کتاب مرجع حقوق معلولین ایران، ص ۱۱۱-۱۱۰.

۲. روزنامه رسمی شماره ۱۲۶۲۰، ۶/۴/۶۷؛ حقوق معلولین در قوانین ایران، ص ۵۹.

بی‌سرپرست و معلولین غیرقابل توانبخشی و سالمندان نیازمند و آموزش نیروی انسانی خدمات بهزیستی و توانبخشی و تأمین موجبات تشویق، جلب مشارکت و فعالیت‌های گروه‌های داوطلب و مؤسسات غیردولتی، سازمان بهزیستی کشور تشکیل می‌شود.

تبصره ۱- سازمان‌هایی که با تصویب این قانون در سازمان بهزیستی کشور با کلیه کارکنان، تجهیزات، دیون و تعهدات ادغام می‌شوند عبارت‌اند از:

معاونت امور بهزیستی و کلیه واحدها و وظایف و فعالیت‌های موضوع این ماده واحده مربوط به بهزیستی و وزارت بهداشت و بهزیستی و سازمان‌های منطقه‌ای بهداشتی و بهزیستی و مؤسسات ادغام شده و وابسته به آن، کمیته امداد امام، بنیاد شهید، سازمان تربیتی شهرداری تهران.

تبصره ۲- رئیس سازمان بهزیستی کشور، مشاور وزیر است.^۱

لازم به تذکر است:

۱- در این لایحه، فقط یک جا به معلول اشاره شده و تصریح به معلول جسمی و روانی شده است و سازمان بهزیستی را موظف به توانبخشی حرفه‌ای و اجتماعی معلولین جسمی و روانی می‌داند.

۲- احتمالاً منظور از معلول جسمی، سه دسته از معلولین یعنی نابینایان، ناشنوایان و معلولان حرکتی است. اما بهتر است تصریح می‌شد.

۳- هم‌اکنون تعبیر معلول روانی، مرسوم و متداول نیست و معلول ذهنی به کار می‌برند.

۴- چهار سازمان را موظف به ادغام در بهزیستی کرده است: بهزیستی به عنوان قسمتی از وزارت بهداشت، کمیته امداد (تأسیس در ۱۳۵۷)، بنیاد شهید

(تأسیس در ۱۳۵۸)،^۱ سازمان تربیتی شهرداری تهران. هیچکدام از این نهادها تخصصی در امور معلولان ندارند و بهتر بود تشکل‌های مردمی را به عضویت در می‌آورند. سمن‌هایی مثل کانون ناشنوایان ایران، انجمن نابینایان ایران، تا آن زمان چند دهه سابقه فعالیت داشتند. اگر به کمک فرا خوانده می‌شدند، کفه ترازوی سازمان به نفع امور معلولان سنگین‌تر می‌شد.

خلاصه از ابتدای تأسیس و شکل‌گیری سازمان بهزیستی، نهادهای غیرمعلولیتی پر نقش‌تر بودند و تقریباً هیچ نهاد معلولیتی در آن دوره حضور نداشت.

۵- اساساً در جریان تشکیل سازمان بهزیستی هیچ سخنی از تشکل‌های مردمی نیست و تمامی تلاش به سمت دولتی کردن امور است.

ساختار مدیریتی: چگونگی شکل‌گیری و تأسیس سازمان در سال ۱۳۵۹ توسط وزارت بهداشتی و شورای انقلاب گزارش شد. سپس در طول حدود چهار دهه تاکنون اصلاحات و تغییرات فراوان پذیرفته و به شکل کنونی به دست ما رسیده است. در اینجا نمی‌خواهیم خود سازمان بهزیستی را بررسی کنیم بلکه هدفمان مطالعه حقوق معلولان و قوانین ویژه معلولان در ارتباط با سازمان بهزیستی به عنوان نهادی که در منظر و مرآی امام تأسیس شده است. یعنی می‌خواهیم بدانیم این سازمان در ارتباط با حقوق معلولان چه جایگاه و چه وظایفی داشته و دارد؟ ابتدای تأسیس چه وظایفی داشت، پس از اعمال اصلاحات تا ۱۳۸۳ چه وظایفی پیدا کرد و پس از تصویب قانون جامع حمایت از معلولان چگونه شد و نیز در سال ۱۳۹۴ با تصویب لایحه جامع معلولان چه وضعیتی پیدا کرده است؟

بررسی از سال ۱۳۸۳ به بعد را در فصول بعد پی می‌گیریم؛ اما تحولات

سازمان تا سال ۱۳۸۳ در ارتباط با معلولان از نظر شکل‌گیری سازمان، بررسی و گزارش شد. اکنون می‌پردازم به ساختار سازمان بهزیستی و حقوق معلولان. رئیس سازمان بهزیستی هم اکنون توسط رئیس جمهور انتخاب می‌شود. پنج معاونت دارد: امور توانبخشی، فرهنگی و امور اجتماعی، توسعه مدیریت و منابع، توسعه پیشگیری و درمان اعتیاد، فناوری اطلاعات، ارتباطات و تحول اداری. البته دو معاونت آخر یعنی توسعه پیشگیری و فناوری اطلاعات به نام مرکز می‌باشند نه معاونت.

ذیل معاونت توانبخشی سه دفتر امور مراکز توانبخشی، توانمندسازی معلولان، امور توانبخشی روزانه و توان پزشکی وجود دارد و همانطور که از عنوان آنها پیدا است یکی از آنها ویژه معلولان و دو دفتر دیگر شامل امور معلولان و غیرمعلولان است.

ذیل مرکز توسعه پیشگیری و درمان اعتیاد که در اعداد معاونت‌ها چیده شده است، این موارد را نام برده‌اند: پیشگیری از آسیب‌ها، پیشگیری از اعتیاد، پیشگیری از معلولیت‌ها، مشاوره و راهنمایی، ایدز.^۱

بنابراین معلولیت را در کنار اعتیاد، ایدز و آسیب‌ها شمرده‌اند. این نگاه که معلولیت آسیب‌دیدگی و نوعی عوارض اجتماعی ناشی از علل و عوامل منفی است در این ساختار مشاهده می‌شود. با اینکه در بسیاری از کشورها معلولان را به عنوان یک قشر از اقشار جامعه نام برده‌اند. مثل پزشکان، معلمان، مهندسان، کارگران، بازنشسته‌ها، بیکاران و ده‌ها قشر دیگر، یکی هم معلولان‌اند. اینان ذاتاً شر و منفی نیستند بلکه توانایی‌هایی دارند و توانمندی‌هایی هم ندارند. درست مثل یک پزشک که توانمندی‌هایی دارد و ناتوانایی‌ها؛ کارهایی را می‌تواند انجام دهد و کارهایی را نمی‌تواند.

وقتی معلولان را جزئی از جامعه و مثل دیگر مردم دانستیم، آن وقت راحت‌تر و با نگاه مثبت به آنها نگاه می‌کنیم و برای آنها برنامه‌ریزی خواهیم داشت. تفاوت نگاه منفی و نگاه مثبت در چند نکته زیر است:

۱- اگر گروهی را منفی بدانیم مجبور هستیم آنها را به حاشیه برانیم؛ یا بین آنها و جامعه مرز بکشیم و آنها را در جامعه مشارکت ندهیم. ولی وقتی مثبت بدانیم، آنها مثل دیگران در سازندگی جامعه شرکت پیدا می‌کنند و با آحاد جامعه تعامل و تعاطی خواهند داشت.

۲- در نگاه منفی، معلولان، توانایی خاصی ندارند بلکه مثل ایدزی‌ها، سرطانی‌ها ناتوان محض‌اند و باید تا مرگ تحت مراقبت باشند. اما در نگاه مثبت، معلولان مثل معلمان استعدادهایی قابل توجه دارند و می‌توانند در سازندگی جامعه کمک کنند، می‌توانند خانواده تشکیل دهند. البته ناتوانی‌هایی دارند که باید از طریق توانبخشی یا ابزار آلات یا جایگزینی دیگر اعضا، جبران شود.

خلاصه اینکه به نظر می‌رسد چارت تشکیلاتی سازمان بهزیستی به عنوان اولین و مبنایی‌ترین نگرش به معلولان، باید اصلاح شود. به همین دلیل با اینکه این سازمان برای معلولان کارها و تلاش‌های بسیار دارد و اگر کارنامه ماهانه و سالانه‌اش منتشر شود همگان این سازمان و رئیس آن را تحسین می‌کنند، ولی مشکلاتی هست که موجب ثمر ندادن بسیاری از فعالیت‌های آن می‌شود.

مأموریت‌ها و وظایف: در سایت سازمان بهزیستی این مأموریت‌ها و وظایف برای سازمان پیش‌بینی شده است: البته کل وظایف و مأموریت‌های سازمان حدود چهل عنوان است، ولی موارد مرتبط به معلولان عبارت‌اند از:

- حمایت و توانبخشی نابینایان
- حمایت و توانبخشی ناشنوایان
- حمایت و توانبخشی معلولان ذهنی

- حمایت و توانبخشی معلولان جسمی حرکتی و ضایعه نخاعی
- حمایت و توانبخشی بیماران روانی مزمن
- کمک به تأمین جهیزیه مورد نیاز ایتام، معلولان و آسیب دیدگان نیازمند
- حمایت و نگهداری از معلولان غیر قابل توانبخشی
- تحت پوشش قرار دادن نیازمندان از نظر بیمه خدمات درمانی
- ساخت اندام‌های مصنوعی و کفش طبی مورد نیاز معلولان از طریق مراکز فنی و ارتوپدی سازمان
- پیشگیری از معلولیت‌های مختلف از طریق اجرای برنامه‌ها و طرح‌های مختلف در کشور
- تربیت نیروهای انسانی تخصصی مورد نیاز جامعه در زمینه‌های توانبخشی، بهداشتی، درمانی، اجتماعی از طریق دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی سازمان
- آموزش ویژه معلولان نظیر ناشنوایان، معلولان ذهنی، آموزش خط بریل و جهت‌یابی به نابینایان
- آموزش مهارت‌های زندگی ویژه معلولان
- ارزیابی و راهنمایی شغل معلولان جهت آموزش و اشتغال مناسب
- برنامه‌های فرهنگی و فوق برنامه معلولان و افراد تحت پوشش^۱
- مجموعاً از چهل سرعنوان، پانزده سرفصل اختصاص به معلولان دارد و این حجم از مأموریت‌ها قابل قبول است. یعنی گویای اهتمام عملی سازمان به معلولان است. اما با تجزیه و تحلیل این سرفصل‌ها به نکاتی می‌رسیم. این نکات ذیلاً تقدیم می‌گردد. از نظر حقوقی سازمان موظف به تأمین همه مایحتاج و نیازمندی‌های معلولان است به گونه‌ای که زندگی آبرومندانه داشته

باشند اما در جایی در اسناد و مدارک بهزیستی به تساوی اشاره ندارد. در کنوانسیون‌های بین‌المللی تصریح شده که معلول و غیرمعلول از نظر حقوق اجتماعی تفاوتی ندارند و هیچ‌گونه تبعیضی بین آنها پذیرفتنی نیست. اما در اسناد و مدارک بهزیستی که تماماً در سایت اینترنتی هم منتشر شده این نکته را ندیدم اما نکات دیگر که با تحلیل سرفصل‌های فوق می‌یابیم عبارت‌اند از:

۱- نقش مردم در وظایف و در چارت سازمان پررنگ نیست. موارد بسیاری هست که مردم می‌توانند، تقبل مسئولیت نموده و مشکلات را ریشه‌ای حل کنند.

۲- نقش معلولان و سمن‌های معلولیتی هم پررنگ نیست.

۳- به آموزش خط بریل و جهت‌یابی اشاره شده ولی به آموزش‌های دیگر مثل آموزش کامپیوتر و اینترنت، آموزش زبان اشاره و ده‌ها نوع آموزش دیگر اشاره نشده است.

از بین همه این آموزش‌ها، آموزش زبان اشاره برای ناشنوایان فوق‌العاده مهم است.

۴- اشتغال و مشاغل و چگونگی تأمین شغل معلولان به اجمال آمده است با اینکه می‌توانستند با معرفی انواع مشاغل و شرایط دست‌یابی به آنها زمینه‌ها را هموارتر نمایند. معلولان استعداد لازم برای انواع مشاغل فرهنگی، علمی، خدمات‌دهی، کشاورزی، صنعتی و اجتماعی دارند. اما چون اینها را نمی‌شناسند، روش دستیابی به آنها را هم نمی‌دانند و همواره مشکل اساسی آنها اشتغال بوده است.

۵- روش‌های نوین رسیدگی و حمایت و توانبخشی در وظایف و مأموریت‌های اعلام شده در سایت بهزیستی مورد توجه قرار نگرفته است. برای نمونه در کشورهای پیشرفته‌ای مثل ژاپن، از معلولان نابینا که معمولاً حافظه خوبی دارند در جاهایی مثل خدمات بورس استفاده می‌کنند. چون زودتر از کامپیوتر به

کاربر اطلاعات می‌دهند. در آلمان برای کشف سرطان از نابینایان فراوان استفاده می‌کنند زیرا حس لامسه آنها قوی‌تر است و بسیار ارزان‌تر از اسکن برداری و شیوه‌های معمول پزشکی، سرطان را کشف می‌کنند.

از جمله حقوق معلولان آن است که تنها سازمان دولتی حامی آنها یعنی بهزیستی، در فضای چند دهه قبل نماند و بر اساس پیشرفت‌های روز، طرح‌ها و روش‌های روزآمد بدهد، اما متأسفانه این بخش چندین سال است به همین صورت و بدون تغییر مانده است.

۶- احادیث مآثوری داریم که حضرت می‌فرماید به جای کمک مادی به نیازمند به او وسیله کار بدهید. زیرا دائماً بی‌نیاز خواهد شد ولی پول و کمک مادی چند روزه تمام شده و نیازمندی می‌ماند.

اما امروزه باید گفت به معلولان باید اطلاعات داد، اگر اطلاعات مناسب و روزآمد به آنها داده شود، آنان همه نیازهای خود را تأمین خواهد کرد. معلولی که استعداد ورزشی دارد اگر به او اطلاع دهیم که فلان تیم ورزشی در فلان کشور معلولان را جذب می‌کند او با یک ارتباط و تماس می‌تواند به شغل مورد نظرش برسد.

تمامی نیازها را می‌توان از طریق اطلاع‌رسانی مناسب مرتفع کرد؛ آن هم با حداقل امکانات و بودجه. به هر حال حق اطلاع‌یابی از حقوق مسلم و حتمی معلولان است و بهزیستی باید این حق را به عنوان وظایف خودش بشناسد و رسمیت ببخشد.

۷- فرهنگ‌رسانی و سازندگی فرهنگی معلولان، خانواده معلولان، عموم مردم، مسئولین دولتی و سمن‌ها از جمله حقوقی است که تاکنون متصدی و مسئول نداشته است. یعنی نهادهای کلان دولتی، آن را جزو وظایف خود ندانسته‌اند. با اینکه زیربنایی‌ترین و مهم‌ترین نیاز همگانی است. صدها نکته و مسئله فرهنگی شامل آداب و رسوم، نکات تربیتی، مسائل اخلاقی، وظایف دو

طرف در تعاملات اجتماعی، احکام شرعی و بالاخره مسائل قابل مراعات در روابط مردم با هم هست که باید در فرهنگ‌سازی و فرهنگ‌رسانی تعلیم داده شود. اما متأسفانه همگان از مسئولان دولتی تا معلولان و مردم عادی از آنها غفلت دارند و نسبت به آنها ناآگاه‌اند.

خلاصه: سازمان بهزیستی با تصویب شورای انقلاب کارش را در سال ۱۳۵۹ آغاز کرد. اکنون حدود ۳۵ سال از عمرش می‌گذرد. این سازمان فعالیت‌های گسترده برای معلولین و دیگر اقشار آسیب‌پذیر داشته ولی انتقاد از این نهاد همواره رو به گسترش بوده است. هم معلولان و نیز نمایندگان مجلس، اغلب عملکرد آن را مطلوب نمی‌دانند.

بنیاد پانزده خرداد

(تأسیس ۱۳۶۰)

در بین همه اینها سازمان بهزیستی مأموریت صریح برای رسیدگی به امور معلولان داشت. بقیه هم مأموریت داشتند ولی نه مثل سازمان بهزیستی. اینجا دستورات و توصیه‌های امام در ارتباط با چند نهاد را بررسی کرده و سپس به سراغ سازمان بهزیستی می‌رویم.

بنیاد پانزده خرداد، یکی از نهادهای خدماتی بود که در سال ۱۳۶۰ ش متعاقب فرمان امام خمینی برای رفع محرومیت و برطرف کردن مشکلات اقتصادی خانواده‌های معلولان، شهدا، جانبازان و ایثارگران انقلاب اسلامی تشکیل شد. در واقع این بنیاد ابتدا عام و رسیدگی به همه محرومان جامعه را بر عهده آن گذاشته شده بود ولی به تدریج خاص و ویژه شهدا و جانبازان و خانواده آنان شد و مکمل بنیاد شهید انقلاب اسلامی گردیده از این‌رو وظایفی چون تولید و توزیع کالا بین اقشار ایثارگر جامعه را برعهده گرفت. کم کم به فعالیت‌هایی چون: ایجاد انجمن فرهنگی - ادبی پانزده خرداد، جمع‌آوری

اسناد و مدارک قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲، برگزاری بزرگداشت پانزده خرداد، تأسیس سد پانزده خرداد در قم، تأمین آب شرب شهر مقدس قم و... مبادرت می‌ورزید.^۱ این بنیاد، پس از تأسیس، تحت سرپرستی هیئتی منصوب از طرف امام خمینی اداره می‌شد که یکی از اعضای آن هیئت حبیب‌الله عسگر اولادی بود، ولی در تیر ۱۳۶۲ جهت اداره‌ی بهتر آقای حسن صانعی به سمت سرپرستی بنیاد از طرف امام منصوب گردید.

فرمان امام خمینی در ۲۲ تیرماه ۱۳۶۲ به حجة الاسلام شیخ حسن صانعی چنین است:

جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ حسن صانعی دامت افاضاته جنابعالی را به سرپرستی بنیاد ۱۵ خرداد منصوب می‌نمایم. این بنیاد مؤظف است به وضع مستضعفین و محرومین رسیدگی نماید. بدیهی است خانواده شهدا محترم و معلولین عزیز مورد توجه بیشتر آن بنیاد قرار گیرند. امید است با اطمینان و اعتماد که به آن جناب دارم امور آن بنیاد را اداره بنمایید.^۲ همانطور که در این فرمان پیدا است، امام در مورد توجه به معلولان و رسیدگی به امور آنان به ریاست بنیاد پانزده خرداد توصیه کرده است. کلمه معلول را به صراحت آورده است.

بر اساس حکم امام، وظیفه‌ی بنیاد، رسیدگی به وضع مستضعفین و محرومین بود. در آن فرمان تأکید شده بود خانواده‌ی محترم شهدا و معلولین عزیز بیشتر مورد توجه قرار گیرند. در بخشی از حکم امام آمده: امید است با اطمینان و اعتمادی که [به] آن جناب ـ شیخ حسن صانعی ـ دارم، امور آن بنیاد را به بهترین وجه اداره نمایند.^۳ پس از انتصاب شیخ حسن صانعی به سرپرستی

۱. دانشنامه جهان اسلام، ج ۴، ص ۴۲۵.

۲. صحیفه نور، جلد ۱۵، ص ۱۰۲.

۳. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱.

آن، فعالیت‌های بنیاد توسعه یافت و تیر ۱۳۶۴ آیت‌الله صانعی در نامه‌ای به محضر امام (ره) خواستار اجازه‌ی امام به آن بنیاد، جهت در اختیار گرفتن اموال منسوبین رژیم پهلوی و اموال مصادره‌ای و برخی کارخانه‌ها و کارگاه‌های متعلق به عوامل رژیم پهلوی از آن جمله شرکت‌های سرمایه‌گذاری: البرز، کی.بی.سی، پیازر، افشهره، و فرآورده‌های شیمیایی را به تصرف خود درآورد.^۱

این بنیاد پس از تصویب رسمی در مهرماه ۱۳۶۱ در انواع پروژه‌های خدماتی و عام‌المنفعه ورود پیدا کرد. اما خدماتش برای معلولان عادی تا کنون مستقلاً گزارش نشده است و نمی‌دانیم چه کارهایی برای معلولان انجام داده است. البته اگر کاملاً تغییر رویه و خط مشی داده و دیگر معلولان عادی در خدماتش جای ندارد باید تذکر دهند.^۲

نتیجه‌گیری: امام خمینی چند روز پس از پیروزی انقلاب شروع به نهادسازی و ایجاد ساختار جدید برای رسیدگی به محرومین و معلولان کرد. حداقل پنج نهاد به تدریج ایجاد کرد و این نهادها شروع به اقدامات مهارت‌افزایی و معلولیت‌زدایی و رفع مشکلات معلولین کردند. این مقاله فقط به تأسیس آنها پرداخت و لازم است در تحقیق دیگر کارنامه آنها هم واریسی و بررسی گردد.

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۹۹، ج ۲۰، ص ۳۵۷.

۲. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به امام خمینی و نهادهای انقلاب اسلامی، مهدی حاضری، تهران، ۱۳۸۱؛ دانشنامه جهان اسلام، ج ۴، روزنامه اعتماد ملی مقاله فعالیت‌های فرهنگی - عمرانی بنیاد پانزده خرداد در سراسر ایران، شماره ۳۲۲، ۲۱ اسفندماه ۱۳۸۵.

فصل چهارم:
تحليل دیدگاه

سیره و آراء آیت الله خمینی (امام خمینی) در حوزه معلولیت و معلولین توسط نویسندگان و پژوهشگران در سطح گسترده بررسی و تحلیل نشده است. با اینکه از نظر مبانی و مفروضات نیز بنیان‌های نظری و استدلالی، آراء و رویه عملی ایشان قابل دفاع است.

تاکنون دو مطلب مستقل به صورت مقاله درباره آراء ویژه معلولین ایشان عرضه شده است یکی از عطیه زندیه و دوم محمد نوری است. این فصل ابتدا به علل و عوامل عدم بسط و فقدان اهتمام نخبگان به آراء معلولیتی ایشان می‌پردازد و در ادامه به معرفی آن دو مقاله اقدام می‌شود.

عدم اهتمام

امام خمینی در مسئله مستضعف گرایی و دفاع از محرومان و پابرهنگان مشهور است. وی کوخ نشینان را به کاخ نشینان ترجیح می‌داد. ارباب، خان، شاه و سرمایه‌دار در فرهنگ او مذموم بود. این نکته را می‌توان مهم‌ترین گرایش و رویکرد او به معلولان دانست. ادله و استدلال‌هایی فراوان از قرآن، حدیث و تاریخ در اثبات رأی خودش داشت. همه این ادله را می‌توان در معلولیت گرایی او هم مطرح کرد.

از نظر اجرایی، یک دهه بر کرسی زمامداری ایران تکیه داشت و امکانات رسانه‌ای و تبلیغی در اختیارش بود. همه اینها را می‌توان در ترویج سیره‌اش در زمینه معلولین، مثبت دانست اما به دلایل زیر آراء معلولیتی وی با استقبال مواجه نشده و عدم اهتمام نخبگان، پژوهشگران و نویسندگان در تجزیه و تحلیل و شرح وی مشهود است.

یک دلیل، عدم رونق فقه معلولیت و رواج نداشتن مباحث معلولیت در حوزه‌های علمیه است. هر روز ده‌ها درس در مقاطع مختلف و در بررسی موضوعات گوناگون فقهی در حوزه‌های علمیه تشکیل می‌شود اما تا کنون یک درس درباره فقه الاعمی، فقه الاصلم و بررسی مسائل فقهی معلولین در حوزه تشکیل نشده است. و یک کتاب از نگاه فقه درباره معلولیت نوشته، عرضه و منتشر نشده است. همین فضا در تحلیل آراء بزرگان روحانی هم وجود دارد و تحت تأثیر همین جو، کسی به بررسی آراء معلولیتی امام خمینی نپرداخته است.

البته نهادهای مرتبط به ایشان و نیز تشکل‌های مردم معلولان و رسانه‌ها هم نقش دارند و نمی‌توان قصور آنان در عدم ترویج رویه و آراء ایشان را نادیده انگاشت.

با اینکه قرآن کریم و معصومین علیهم السلام در سخنان خود با عزت و کرامت از معلولین یاد کرده و جایگاه مهمی برای آنان در جامعه در نظر گرفته‌اند. اما معلوم نیست چرا مسلمانان و به ویژه پیروان معصومین علیهم السلام و شیعیان، اهتمام ضعیف و اندک به معلولیت و معلولان داشته‌اند.

مقاله عطیه زندیه

خانم عطیه زندیه مقاله‌ای با عنوان «انسانیت به روح است نه به جسم: نگرشی بر آراء امام خمینی در خصوص معلولین» نوشت و به همایش ملی مناسب سازی محیط شهری در سال ۱۳۸۵ عرضه کرد. خانم زندیه دکترای فلسفه از دانشگاه تهران دارد و عضو هیئت علمی پژوهشکده امام خمینی است.

نویسنده محور و جوهره آراء امام خمینی در زمینه معلولیت و معلولین را تفکیک بین دو جنبه انسان یعنی جسم و روح می‌داند و معتقد است معلول جسمش ناقصی دارد ولی انسانیت و کرامت آدمی منوط به روان و روح است. از این رو به دیدگاه دومی رسیده که معلول دو جور است: جسمی و روحی. اسلام معلوم جسمی را مطلوب دانسته و برایش امتیازاتی قائل است. اما معلول روحی یعنی کسی که در اخلاقیات و قوای روحی اش نقصان و مشکل هست، مثلاً ایمانش ضعیف است یا باورش به مبدأ هستی مشکل دارد و مشترک یا بت پرست شده است، چنین انسانی از نظر اسلام مطرود و غیرمطلوب است.

خلاصه مقاله

وجود افراد معلول در جوامع بشری امری طبیعی است. بنا بر آمار سازمان بهداشت جهانی (WHO) از میان صد در صد جمعیت جهان، ده درصد آن را معلولین جسمی - حرکتی تشکیل می‌دهند. این آمار در کشور عزیزمان ایران به دلیل وقوع جنگ تحمیلی هشت ساله سیر صعودی داشته و درصد بالاتری را به خود اختصاص داده است. جوانان اینارگر این مرز و بوم در برهه‌ای از تاریخ برای حفظ ناموس آن از جان خود سرمایه گذاشتند و جمع کثیری از آنان به جامعه معلولین پیوستند.

در برخورد با جامعه معلولین، لازم است از دو جنبه با مسائل مبتلا به آنان

برخورد شود:

۱- تهیه امکانات زیستی - رفاهی

۲- ایجاد فضای مناسب برای تقویت روحی

تهیه امکانات زیستی - رفاهی متناسب با نیازهای تمامی معلولان کشور از جمله وظایف بدیهی است که برنامه‌ریزی و حمایت از اجرای آن بر عهده مسئولان کشوری است. وظیفه‌ای که رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره)، در دیدار با جامعه معلولان ایران بر آن تأکید کرده‌اند. (صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۴۶)

مناسب‌سازی مبلمان شهری، تهیه وسایل حمل و نقل شخصی و عمومی و اصلاح و بهبود وضعیت آنها، ساخت خانه‌های مسکونی متناسب، تولید اثاثیه و وسایل مورد نیاز در منزل، ایجاد فضاهای مناسب ورزشی، ایجاد امکان استفاده از اماکن تفریحی (پارک‌ها، سینماها و ...) و همه امکاناتی که افراد سالم یک جامعه از آن بهره می‌برند از جمله مواردی است که بایست معلولین نیز از آنها برخوردار باشند. اگر شهری نتواند این بخش از نیازهای معلولین را برآورده سازد، آن شهر نیز شهری معلول است که باید در اسرع وقت نارسایی‌هایی آن را برطرف ساخت.

اما جنبه مهم‌ترین که نباید از خاطر دور داشت توجه به عوامل روحی - روانی است که در سلامت جامعه معلولان بسیار اثرگذار است. آنچه این مقاله درصدد بیان آن است بخشی از این جنبه است که در آن بر نگرش حضرت امام نسبت به معلولین تأکید شده است.

از نظر ایشان انسان موجودی دو ساحتی و دو بعدی است. هم دارای بعد جسمانی است و هم ساحت روحانی دارد. آنچه نقش بسزایی در ساخت شخصیت انسان دارد بعد روحانی اوست. به ویژه که بسیاری از آنکه به جسم نسبت دهند به روح منتسب می‌دانند و مصیبت بزرگ را معلولیت روح می‌دانند

که به مراتب افراد بیشتری در جامعه با آن درگیر هستند. از نظر ایشان لب انسان روح و نفس ناطقه اوست که در صورت قوت آن، باکی از ضعف و معلولیت جسمانی نیست. اما در تأیید دیدگاه خود بسیاری از علما و دانشمندان جهان را شاهد می‌آورند که معلولیت جسمانی داشته‌اند، اما این معلولیت مانع رشد آنان در زندگی نبوده است.

در این مقاله از تمایز دو بعد وجودی انسان سخن به میان خواهد آمد و تأکید خواهد شد که برای تقویت روحی انسان چه راهکارهای فردی و اجتماعی وجود دارد و چگونه می‌توان از معلولیت روحی در افراد سالم و معلول جامعه، کاست. **کلمات کلیدی:** انسانیت، بعد جسمانی، بعد روحانی، امام خمینی، نفس ناطقه، معلولیت جسمانی، معلولیت روحی^۱

پایگاه اطلاع‌رسانی جماران

این پایگاه به مناسبت مسابقات پارالمپیک و درخشش معلولین در این مسابقات در سال ۱۳۹۱ قسمتی از سخنرانی امام خمینی را برای معلولین در ۷ اسفندماه ۱۳۵۷ آورده و به شرح و توضیح آن می‌پردازد.

گزیده سخنرانی

من از شما آقایان که نماینده جامعه معلولین هستم تشکر می‌کنم. خداوند ان‌شاءالله شماها را سلامت بدارد. خداوند شفای عاجل به شما عنایت فرماید. باید بدانند جامعه معلولین که انسان دارای روحی است و جسمی. آنکه انسان به او انسان است، روح انسان است نه جسم انسان. دعا کنید که آنهایی که روحشان معلول است، آنها شفا پیدا کنند. و دعا کنید که شما جامعه معلولین جسمی، معلولین روحی نباشید. اگر روح شما سالم باشد و روح شما آزاد و قوی باشد، چه باک که دست یا پای انسان معلول باشد. دست و پای انسان مناط انسانیت نیست. این قشر [پوسته و ظاهر] است؛ لبّ [جوهر و ذات] انسان روح انسان است، نفس ناطقه انسان است. وقتی نفس ناطقه انسان قوی شد، باکی از این نیست که جسمش علیل باشد. انسان به روح، انسان است. مادر نوابغ عالم داشتیم اشخاصی که نابینا بودند ولی نابغه بودند. اشخاصی که معلول بودند ولی از علما و نوابغ بودند، از فلاسفه بودند. شما هیچ غم نداشته باشید که [از] یک پا یا یک دست یا چشم معلول هستید. شما امیدوارم که در این جامعه به واسطه قوت روحی که دارید و به واسطه سلامت روح که دارید، در این جامعه سرفراز و سربلند باشید. من ان‌شاءالله راجع به خواسته‌های شما به مقامات مسئول سفارش می‌کنم.

امیدوارم خداوند شما را حفظ کند و شما هم که در این نهضت شریک بودید و هستید و برادران ما هستید، خداوند همه شما را شفا بدهد؛ و روح شما که

فوق جسم است و انسانیت‌تان به روح است، با سلامت و سعادت باشد.^۱

بررسی و شرح

از نظر حضرت امام جوهر و ذات انسان روح و نفس ناطقه اوست که در صورت قوّت آن، باکی از ضعف و معلولیت جسمانی نیست.

بنا بر آمار سازمان بهداشت جهانی ده درصد جمعیت جهان را معلولین جسمی - حرکتی تشکیل می‌دهند. این آمار در کشور عزیزمان ایران به دلیل وقوع جنگ تحمیلی هشت ساله درصد بالاتری را به خود اختصاص داده است. جوانان ایثارگر این مرز و بوم در برهه‌ای از تاریخ از جان خود سرمایه گذاشتند و جمع کثیری از آنان به جامعه معلولین پیوستند.

تهیه امکانات زیستی - رفاهی متناسب با نیازهای تمامی معلولان کشور از جمله وظایف بدیهی است که برنامه‌ریزی و حمایت از اجرای آن بر عهده مسئولان کشوری است. وظیفه‌ای که رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی، امام خمینی در دیدار با جامعه معلولان ایران بر آن تأکید کرده‌اند.

اما جنبه مهم‌تری که نباید از خاطر دور داشت توجه به عوامل روحی - روانی است که در سلامت جامعه معلولان بسیار اثرگذار است. از نظر حضرت امام انسان موجودی است که هم دارای بعد جسمانی است و هم ساحت روحانی دارد. آنچه نقش بسزایی در ساخت شخصیت انسان دارد بعد روحانی اوست. به ویژه که بسیاری از آنکه به جسم نسبت دهند به روح منتسب می‌دانند و مصیبت بزرگ را معلولیت روح می‌دانند که به مراتب افراد بیشتری در جامعه با آن درگیر هستند. از نظر ایشان لُب انسان روح و نفس ناطقه اوست که در صورت قوّت آن، باکی از ضعف و معلولیت جسمانی نیست. امام در تأیید دیدگاه خود به شماری از علما و دانشمندان جهان اشاره دارند که معلولیت جسمانی داشته‌اند، اما این معلولیت مانع رشد آنان در زندگی نبوده است.^۲

۱. صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۴۶ و ۲۴۷؛ www.imam-khomeini.ir.

2. www.imam-khomeini.ir/fa/n2978

مقاله محمد نوری

محمد نوری پژوهشگر و نویسنده مقاله‌ای با عنوان «کارنامه ده ساله امام خمینی در زمینه معلولان» نوشت و به همایش بررسی سیره اجتماعی امام خمینی در سال ۱۳۹۵ عرضه کرد. این همایش توسط پژوهشگاه امام خمینی در تهران برگزار شد.

این مقاله عمدتاً بر اساس صحیفه امام و صحیفه نور تدوین شده و خالی از تحقیقات محلی و میدانی است. برای نمونه مرحوم احمد پوستچی در سال ۱۳۵۸ ملاقاتی با امام خمینی در قم داشته و از آن ذکر در این مقاله به بیان نیامده است.

احمد پوستچی (درگذشت ۱۳۸۵) نابینایی است که آموزش و پرورش نابینایان و معلولین قم مدیون زحمات او است. پسر بزرگ آن مرحوم می‌گفت پدرم نقل می‌کرد که با امام خمینی ملاقاتی داشته و حتی دستخط ایشان در صورت کار و فعالیت برای معلولین را داشته است.^۱

۱. مصاحبه با پسر مرحوم احمد پوستچی.

منابع

قرآن کریم

- اسحاق پیامبر هدیه الهی، محمد نوری قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۴.
- امام خمینی و نهادهای انقلاب اسلامی، تدوین مهدی حاضری، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱.
- امام خمینی و نهادهای انقلاب اسلامی، مهدی حاضری، تهران، ۱۳۸۱.
- «بنیاد پانزده خرداد»، منیژه ربیعی، دانشنامه جهان اسلام، ج ۴، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۵.
- پایگاه خبری جماران، ۱۴ شهریور ۱۳۹۱.
- تحف العقول، ابن شعبه حرابی، ترجمه احمد بخشی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۷.
- تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمد طالقانی، تهران، ۱۳۶۹.
- تفسیر نوین، محمد تقی شریعتی، تهران، دفتر نشر اسلامی، ۱۳۵۶.
- حضرت شعیب پیامبر جامعه‌ساز، محمد نوری، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۴.
- حقوق معلولان ایران، علی نوری، قم، صحیفه خرد، ۱۳۹۴.
- حقوق معلولان در قوانین ایران، احمد باختر، تهران، جنگل: جاودانه، ۱۳۸۶، ص ۱۹۵.
- دانشنامه جهان اسلام، به کوشش بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، جلد ۱۶، ۱۳۹۱.
- دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، ۱۳۷۷، ج ۴.
- دانشنامه دانش گستر، تهران، ۱۳۸۹.
- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مجلدات مختلف.
- دایرةالمعارف قرآن کریم، مرکز معارف قرآن کریم، قم، مجلدات مختلف.
- روزنامه رسمی، سال‌های ۱۳۵۹، ۱۳۶۷، ۱۳۷۴.
- سایت بنیاد مستضعفان و جانبازان.
- سایت بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- سایت کمیته امداد.
- سایت دفتر فرهنگ معلولین.
- سایت سازمان بهزیستی کشور.
- سایت‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- سرگذشت ابابصیر، محمد نوری، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۴.
- صبر ایوب، خدیجه صفی‌زاده، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۳.
- صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰.
- صحیفه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مؤسسه چاپ و نشر مروج، ۱۳۷۸.
- الطبقات الكبرى، ابن سعد، بیروت، ۱۹۹۵م.
- عبدالله بن ام مکتوم نابینای جانشین رسول خدا(ص)، قدرت الله عفتی، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۲.
- «فعالیت فرهنگی - عمرانی بنیاد پانزده خرداد در سراسر ایران»، روزنامه اعتماد ملی، شماره ۲۲۲، مورخه ۱۳۸۵/۱۲/۲۱.
- قدرت مہار ناشدنی ایمان، آچیچ، ترجمه مسیحا برزگر، تهران، ۱۳۹۲.
- قصر رعایة و تأهیلاً و استثماراً، به کوشش مؤسسه الاوقاف و شؤون القصر، دبی، ۲۰۰۶م.
- کتاب مرجع حقوق معلولین مشتمل بر کلیه قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها و معرفی سازمان‌های مرتبط با معلولین، حسین زهرایی، سید محمدرضا تابان، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۹۳، ۳۴۸ص.
- مجله بنیاد، بنیاد مستضعفان و جانبازان، شماره‌های مختلف.
- مجله توان‌نامه، دفتر فرهنگ معلولین، شماره‌های مختلف.
- مجله مسکن و انقلاب، شماره ۶۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۴.
- مجمع البیان، طبرسی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۷۹.
- مدرسه آموزشی ابابصیر، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۴، سایت دفتر فرهنگ معلولین.
- منشور حقوق معلولین، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۴.
- نکت الهمیمان فی نکت العمیمان، صلاح‌الدین صفدی، به کوشش احمد زکی، افسست، قم، منشورات شریف رضی، ۱۳۷۲.
- نہج البلاغہ، ترجمه محمد دشتی، قم، ۱۳۸۵.